

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

c0129d9bd2b7c3d2d8fc43cf6aa245fa1d4383fa64a3a155bae40b60b651cfec

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

**تهاجم فرهنگی - تعداد فیش : 101 ، تعداد مقاله : 1**

**بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری** 1393/06/13

سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله علم و فناوری است، یکی مسئله اقتصاد است، یکی مسئله فرهنگ است. در این سه بخش ما باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ اینها عناصر کلیدی‌اند. دولت‌های ما، مسئولین ما، مؤثرین و متنفذین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند. مسئله جمعیت هم البته بسیار مهم است - همان‌طور که اشاره کردند که بعضی از آقایان هم روی این تکیه کردند - کاملاً بجا است، مسئله جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی؛ و افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، خیلی تأثیر دارد در ایجاد اقتدار. البته از همه‌ی اینها مهم‌تر، مسئله فرهنگ است؛ بخصوص در سطح باورها و عقاید مردم. می‌بینید چقدر دارند سرمایه‌گذاری میکنند. اشاره شد که بسیاری از سرمایه‌های گوناگون بین‌المللی صرف ایجاد رسانه‌های اثرگذار میشود، از قبیل ماهواره و اینترنت و موبایل و امثال اینها؛ دارند سرمایه‌های زیادی را صرف میکنند برای اینکه بر روی عقاید مردم و باورهای مردم اثر بگذارند و اینها را در واقع از حیطه‌ی نفوذ نظام اسلامی و ارزش‌های اسلامی خارج کنند؛ که البته پادهر آن هم این است که ما بتوانیم در سطوح مختلف، نسبت به باورها طرح‌های تبیینی و اقناعی داشته باشیم؛ علمای ما، سازمان‌های فرهنگی ما، سازمان‌های تبلیغاتی ما، گویندگان ما، صداوسیما ما باید بتوانند این باورها را در ذهن مردم تثبیت کنند و تعمیق کنند که البته ارتباط مستقیم علما با مردم، یک عامل و عنصر بی‌بدیلی است؛ هیچ چیزی جای این را نمی‌گیرد، هیچ چیزی؛ حتی صداوسیما که یک رسانه‌ی فراگیر است، نمیتواند جای ارتباط مستقیم علما و متفکرین دینی را با مردم بگیرد.

**بیانات در دیدار دانشجویان** 1393/05/01

نکته‌ی دیگری که در بیانات بود و نکته‌ی درستی است و می‌خواهم روی آن تأکید کنم، ارتباط بین شیوه‌های مدیریت اقتصادی و فرهنگ جامعه است. اینکه «در دهه‌ی ۷۰ ما مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم درحالی‌که تهاجم اقتصادی بود» این حرف درستی است؛ ما این را رد نمی‌کنیم؛ لکن نگاه به فرهنگ به‌عنوان یک مسئله اصیل و مسئله حیاتی، حتماً بایستی مورد توجه همه در همه‌ی سطوح باشد. همان‌وقت اعتراض‌هایی به شیوه‌های مدیریت اقتصادی هم میشد؛ اما آنچه اهمیت داشت و امروز هم حائز اهمیت است، نگاه به جهت‌گیری‌های فرهنگی است. البته ما قبول داریم که شیوه‌ی مدیریت اقتصادی تأثیراتی بر روی فرهنگ می‌گذارد، همچنان‌که عکس قضیه هم صادق است.

**بیانات در حرم مطهر رضوی** 1393/01/01

تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به‌خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه‌ی فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند. نمی‌خواهیم بگوییم همه‌ی آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیر فرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ اما حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمیتوانیم فراموش کنیم. امروز و از روزهای اول انقلاب، دستگاه‌های تبلیغات، همه‌ی توش‌وتوان خود را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه‌های این انقلاب بی‌اعتقاد کنند. این کار فرهنگی است؟ ایمان مردم را مورد تهاجم قرار دادند، باورهای قلبی مردم را مورد تهاجم قرار میدهند؛ این را نمیشود انسان ندیده بگیرد.

یک سؤال اینجا ممکن است مطرح بشود که بگویند: خب شما می‌گویید مسئولین کشور حساس باشند، چقدر حساس باشند؟ آیا این با آزادی - که از شعارهای انقلاب است و جزو پایه‌های جمهوری اسلامی است - منافاتی ندارد؟ جواب این است که نخیر، با آزادی هیچ منافاتی ندارد؛ آزادی غیر از ولنگاری است؛ آزادی غیر از رهاسازی همه‌ی ضابطه‌ها است. آزادی - که نعمت بزرگ الهی است - خودش دارای ضابطه است؛ بدون ضابطه، آزادی معنی ندارد. اگر چنانچه کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشه‌ی ایمان جوانان زدن دارند تلاش میکنند، نمیشود این را تماشا کرد به‌عنوان اینکه این آزادی است. همچنان که اگر هروئین و بقیه‌ی مواد مسموم‌کننده‌ی بدن و بدبخت‌کننده‌ی خانواده‌ها را کسی بخواد بین این و آن توزیع کند، نمیشود بی‌تفاوت نشست. اینکه ببینیم کسانی با استفاده از هنر، با استفاده از بیان، با استفاده از ابزارهای گوناگون، با استفاده از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگوییم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست!

**بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی** 1392/09/19

ما چند سال قبل از این بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم؛ بعضی‌ها اصل تهاجم را منکر شدند؛ گفتند چه تهاجمی؟ بعد یواش یواش دیدند که نه [فقط] ما می‌گوییم، خیلی از کشورهای غیرغربی هم مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح میکنند و می‌گویند غربی‌ها به ما تهاجم فرهنگی کردند؛ بعد دیدند که خود اروپایی‌ها هم می‌گویند آمریکا به ما تهاجم فرهنگی کرده؛ لابد دیده‌اید، خوانده‌اید که [گفتند] فیلم‌های آمریکایی، کتاب‌های آمریکایی چه تهاجم فرهنگی‌ای به ما کرده‌اند و دارند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار میدهند. بعد بالاخره به برکت قبول دیگران، این حرف ما هم مورد قبول خیلی از کسانی که قبول نمی‌کردند قرار گرفت؛ تهاجم فرهنگی يك واقعیتی است. صدها - حالا من که می‌گویم صدها، میشود گفت هزارها؛ منتها حالا بنده چون يك‌خرده در زمینه‌های آماری دلم می‌خواهد احتیاط کنم، می‌گویم صدها - رسانه‌ی صوتی، تصویری، اینترنتی، مکتوب در دنیا دارند کار میکنند با هدف ایران؛ با هدف ایران! نه اینکه دارند کار خودشان را میکنند. يك‌وقت هست که فرض کنید رادیوی فلان کشور یا تلویزیون فلان کشور يك کاری دارد برای خودش میکند؛ این نیست، اصلاً هدف اینجا است؛ با زبان فارسی [برنامه می‌سازند]؛ آن را با وقت استفاده‌ی فارسی‌زبان یا عنصر ایرانی تطبیق میکنند؛ مسائل ما را رصد میکنند و بر طبق آن مسائل، موضوعات و محتوا برای رسانه‌ی خودشان تهیه میکنند؛ یعنی کاملاً واضح است که هدف اینجا است. خودشان هم می‌گویند، انکار هم نمی‌کنند.

**بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی** 1392/09/19

تهاجم فرهنگی يك حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثرگذاری کنند. این بازیهای اینترنتی از جمله‌ی همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور میشود از جمله‌ی همین است که من چقدر سر قضیه‌ی تولید اسباب‌بازی داخلی معنی‌دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال بکنند؛ البته بحمدالله ظاهراً اینجا يك تصمیمی در این زمینه گرفته شد، حالا ان‌شاءالله همان تصمیم را هم دنبال کنید که اجرایی بشود. خب، دوستان ما آمدند در یکی از دستگاه‌های فعال و مسئول، عروسک‌های خوبی درست کردند؛ خوب هم بود؛ اول هم حساسیت طرف مقابل را - یعنی مخالفین را، خارجی‌ها را - برانگیخت که اینها آمدند در مقابل باری و مانند اینها، این [عروسک‌ها] را درست کردند؛ ولی نگرفت. من به اینها گفتم که اشکال کار شما این است که شما آمدید به فلان نام، يك پسری را، يك دختری را آوردید در بازار، این عروسک شما را بچه‌ی ما اصلاً نمی‌شناسد - ببینید، پیوست فرهنگی که می‌گوییم اینها است - خب، يك عروسک است فقط، در حالی که مرد عنکبوتی را بچه‌ی ما میشناسد، بتمن را بچه‌ی ما میشناسد. ده بیست فیلم درست کرده‌اند، این فیلم را آنجا دیده، بعد که ببینند همان عروسکی که در فیلم داشت کار میکرد، در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گویند این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد؛ این پیوست فرهنگی [است]. شما بایستی این عروسک را که ساختید، در کنار ساخت عروسک، ده بیست فیلم کودک درست میکردید برای اینکه این عروسک معرفی بشود پیش بچه‌ها؛ بعد که معرفی شد، آنوقت خودشان می‌خرند، [ولی] وقتی معرفی نشد، بازار ندارد و ورشکست میشود؛ و ورشکست شد. یعنی يك چنین دقت‌هایی را بایست کرد. به‌رحال این تهاجم

فرهنگی به این شکل يك واقعيّتی است.

کتابهای آموزش زبان. خب میدانید، الان آموزش زبان انگلیسی - بالخصوص زبان انگلیسی، حالا زبانهای ديگر خیلی خیلی کمتر - خیلی رواج پیدا کرده، آموزشگاههای فراوانی به وجود می‌آوردند. خب، مراکز آموزش هست؛ همه‌ی کتابهای آموزش که خیلی هم با شیوه‌های جدید و خوبی این کتابهای آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل کننده‌ی سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این بچه‌ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [که] این را میخواند، فقط زبان یاد نمیگیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آنچه بیشتر در او اثر میگذارد آن تأثیر و انطباقی [است] که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به وجود می‌آید؛ این از بین نمی‌رود؛ این کارها را دارند میکنند.

#### بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/09/19

ما در برخورد با مسائل تهاجمی، پدیده را در اول ورود، حتی قبل از ورود باید بشناسیم. فرض کنید يك چیزی، يك فکری، يك روشی در دنیا دارد رایج میشود؛ پیدا است که این اینجا خواهد آمد - خب دنیا دنیای ارتباطات است، دنیای اتصال و ارتباط است، نمیشود حصار کشید - قبل از آنکه بیاید، به فکر باشید که برخورد حکیمانه با این چیست. معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ نه، گاهی يك پدیده‌ای است که ما آن را میتوانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که میتوانیم اصلاح کنیم، گاهی پدیده‌ای است که میتوانیم يك ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند. دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی میشوید که نمیتوانید با آنها مواجه بشوید. پس من نمیگویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم - البته وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شگنی نیست - توصیه‌ی من فقط موضع دفاعی نیست؛ اما موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم. به‌رحال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداقل این است که بگویم خیلی خب، ما در مقابل این نمیتوانیم يك حرکتی انجام بدهیم، اما منفعل هم نمیشویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد.

#### بیانات در دیدار مسئولان نظام 1392/04/30

ما در طول دو سه قرن اخیر ضربه‌های سختی خوردیم؛ هم از ناحیه‌ی استبداد داخلی و دیکتاتورهای داخل کشور، هم از ناحیه‌ی تهاجمهای بیرونی. این يك واقعيّتی است که ما ضربه خوردیم. تاریخ ورود و نفوذ دولتهای بیگانه در کشور ما از سال ۱۸۰۰ میلادی است؛ یعنی دوپست و دوازده سال است که اولین نفوذ خارجی از طریق حکومت انگلیسی‌هند اتفاق افتاد؛ جان ملکم انگلیسی آمد ایران - که حالا تاریخش را کسانی که ملاحظه کردند، میدانند - و تبعاتی که پیش آمد. ضعف آن دولتها در مواجهه‌ی با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی و سیاست غربی و حکومتهای غربی، موجب انفعال کشور شد و همین طور رفته رفته ما دچار ضعف شدیم، هزیمتهای داشتیم؛ این هم يك واقعيّتی است. ما در برآورد مسائل کشور و شناخت وضعیت کنونی کشور نمیتوانیم این دوره را ندیده بگیریم. ضربه‌های سختی به ما زدند؛ هم نفوذ سیاسی پیدا کردند، هم نفوذ فرهنگی پیدا کردند، هم منابع ما را غارت کردند.

#### ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش 1392/02/10

سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ...

5- اهتمام به تربیت و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بویژه در: ...

3- 5- ارتقاء تربیت عقلانی و رشد بینش دینی، سیاسی و اجتماعی دانش آموزان و اهتمام به جامعه پذیری برای تحکیم وحدت و همبستگی ملی، وطن دوستی و مقابله هوشمندانه با تهاجم فرهنگی و پاسداشت استقلال، آزادی، مردم سالاری دینی و منافع ملی.

#### بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 1391/07/23

تقلید از غرب برای کشورهایانی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیسی‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌فاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام میگرفت. انگلیسی‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌فاره‌ی هند که یکی از کانونهای زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگانشان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه‌ی کشورهایانی که انگلیسی‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله‌ی خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از آمدن انگلیسی‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر میگفتند؛ مثل امیرخسرو دهلوی، بیدل دهلوی - که اهل دهلوی است - و بسیاری از شعرای دیگر. اقبال لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیسی‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیسی‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف نزنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند.

#### بیانات در اجتماع مردم اسفراين 1391/07/22

دشمنان ما برنامه‌ریزی میکنند؛ به خیال خودشان میخواهند در مقابل این ملت بزرگ و بااراده، مانع و رادع درست کنند تا این پیشرفت اتفاق نیفتد؛ اما مطمئن باشند و بدانند همچنان که از روز اول انقلاب تا امروز تجربه کردیم، در آینده هم دشمنان ما در همه‌ی توطئه‌ها و مکرها و کیدهای خود شکست خواهند خورد. سیاستمدارهای مختلفی در کشورهای معارض ما آمدند و رفتند - در آمریکا، در انگلیس، در برخی کشورهای دیگر - هر کدام که آمدند، با یک دل پرکینه و پریغض نسبت به حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی آمدند؛ طراحی کردند، برنامه‌ریزی کردند؛ هر چه در توان و تلاش داشتند، انجام دادند؛ به خیال اینکه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو دریاورند. آنها رفتند، بعضی حتی نامشان هم فراموش شد؛ اما ملت ایران با سرافرازی و سربلندی بحمدالله در صحنه حاضر است و با اراده‌ی قوی‌تر و تصمیم راسخ‌تر از روز اول، راه خود را ادامه میدهد. این نشان‌دهنده‌ی قوت آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی و این ملت بزرگی است که این نظام را خواسته‌اند و از آن پشتیبانی کرده‌اند. البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه میکنم، میگویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف نینگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راههای مختلف وارد میشود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راههای مختلفی وارد میشود؛ باید هشیار بود.

#### بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت 1391/06/02

در زمینه‌ی فرهنگ فرصت نشد آقایان گزارشی بدهند. من یک جمله عرض بکنم؛ به کارهای سطحی نباید اکتفاء کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان دهها کار صادر میشود و نشئت میگیرد، توجه کنید. من یک وقتی نسخه‌ای از آن کارهای عمیق لازم را به آقای رئیس‌جمهور دادم؛ همانها باید دنبال شود و باید دنبال میشود. در باب فرهنگ باید بنشدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ مهاجم خطرناک است. اگر ما فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت یک هدفی هدایت میکند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل خواهد شد؛ هر چه هم شما تصمیم

بگیرید، اینها می‌آیند خرابش میکنند و جور دیگری منعکس خواهد شد.

#### بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران 1390/05/16

غفلت از روحیه جهادی و ایثار، غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن، غفلت از دشمن بودن دشمن، غفلت از نفوذ دشمن در فضای رسانه‌های کشور، بی‌مبالاتی نسبت به حفظ بیت‌المال؛ اینها گناهان ماست، اینها نقاط ضعف ماست.

#### دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب 1390/03/23

در عرصه تهاجم پیچیده و فراگیر فرهنگ جبهه استکبار بر ضد نظام اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی همچون یک قرارگاه اصلی، وظیفه سیاستگذاری راهبردی و هدایت دستگاه‌ها و مراکز تأثیرگذار فرهنگی و بخش‌های اجرایی را برعهده دارد.

#### دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب 1390/03/23

در آن زمان برای برخی سؤال و یا ابهام بوجود آمده بود که چرا یک اصطلاح نظامی برای مسائل فرهنگی استفاده می‌شود در حالیکه اگر به شرایط کنونی فرهنگی دنیا دقت شود مشاهده می‌شود که یک تهاجم عظیم و پیچیده در عرصه فرهنگ در جریان است.

#### دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب 1390/03/23

گستره تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، همه کشورهای دنیا است اما در این تهاجم مهم‌ترین هدف، نظام جمهوری اسلامی است زیرا نظام اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده و اثبات کرده که در این ایستادگی خود صادق است و توانایی مقابله و پیشرفت را نیز دارد.

#### دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب 1390/03/23

راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، گسترش و تعمیق رسالت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه‌های اخلاقی، رفتارهای فردی و اجتماعی، عقاید و باورهای دینی و مسائل سیاسی است.

#### خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی 1389/11/15

قبل از انقلاب، در زمینه‌های فرهنگی، ما مقلد محض بودیم؛ اما بعد از انقلاب، تهاجم فرهنگی به عنوان یک خطر شناخته شد.

#### بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان 1388/02/22

امروز ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرئت نمیکنند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ میدانند سرکوب خواهند شد؛ میدانند که این ملت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پائین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار میدهد. دشمن روحیه صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار میدهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناکتر است.

در تهاجم نظامی شما طرفتان را میشناسید، دشمنان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران بخصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، بخصوص از جوانها خواهش میکنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

#### بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی 1387/11/28

امروز ملت ما در مقابل خود یک جبهه‌ی گسترده‌ای را ملاحظه میکنم که با همه‌ی توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری بیندازد. از اول پیروزی انقلاب، همان جبهه سعی‌اش این بود که نگذارد جمهوری اسلامی که مولود انقلاب است، پا بگیرد؛ همه‌ی تلاش خودشان را کردند که جمهوری اسلامی را از بنیان نگذارند رشد کند، و البته نتوانستند. اقدام سیاسی کردند، محاصره‌ی اقتصادی کردند، جنگ تحمیلی را هشت سال بر این ملت تحمیل کردند، دشمنان این ملت را تجهیز کردند، وسوسه‌های درونی را به جان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی انداختند، نتوانستند. به این نتیجه رسیدند که نظام جمهوری اسلامی را نمیشود ساقط کرد؛ چون مدافع آن، حامی آن، سینه‌های سپرکرده‌ی مردم مؤمن است؛ میلیونها انسان مؤمن این نظام را نگه داشته‌اند. بحث مسئولین و دولت و بحث اینها نیست. یک وقت یک نظام قائم به چند نفر است و یک عده مرتزقه‌ی یک نظامند؛ آن نظام برای استکبار خطری ندارد. یک وقت یک نظام متکی به ایمانهای مردم است، متکی به دل‌های مردم، به پشتیبانی عمیق مردم است، این نظام را نمیشود تکان داد. این را استکبار فهمیده است. همین راهپیمانی‌ها، همین 22 بهمن امسال شما مردم، این یک نمایش بسیار باشکوه و پر عظمت بود. پیشرفت‌های علمی، حضور جوانها در صحنه‌های مختلف، شعارهای انقلاب که خوشبختانه زنده‌تر از پیش شده است - کسی از مسئولین با شرمندگی نسبت به شعارهای انقلاب مواجه نمیشود؛ افتخار میکنند به استقلال، به آزادی، به اسلام، به این قانون اساسی معتبر و پرمغز و پرمعنا - نشان میدهد که نظام را نمیشود تکان داد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از محتوای نظام هر چه میتوانند کم کنند. این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شیخون فرهنگی که انسان در بخشهای مختلف علائم آن را مشاهده میکرد و امروز هم انسان آن را در بخشهای مختلفی می‌بیند، به این نیت است؛ با این قصد است؛ انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را میطلبد. این هم مثل همان قضیه‌ی بیست و نه بهمن است. خیلی‌ها اهمیت بیست و نه بهمن را نفهمیدند، شما تیریزی‌ها این را فهمیدید، در مرحله‌ی عمل هم، این فهم خودتان را به کار بستید؛ در همه‌ی مقاطع همین جور است. اهمیت حوادث را باید ملت ما درک کند؛ و خوشبختانه امروز درک میکنند؛ ملت کاملاً هوشیارند. خود این هم یکی از برکات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بوده است. مردم بیدار شده‌اند، قدرت تحلیل پیدا کردند.

#### خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1387/07/10

این است که امروز دنیای اسلام با تهاجم سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی همه‌جانبه‌ی دشمنان اسلام مواجه است. این نکته را باید در همه‌ی جهان اسلام، همه‌ی آحاد مردم، بخصوص نخبگان، بخصوص روشنفکران، علمای دین، افراد برجسته‌ی سیاسی غفلت نکنند. امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم اسلامی احساس ضعف میکند؛ لذا به انواع جنگ‌های روانی، تهاجمات گوناگون، ترساندن ملتها و کشورهای مسلمان از یکدیگر و تبلیغات علیه یکدیگر متوسل میشود. راه این است که دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند. من بار دیگر برای صدمین بار، هزارمین بار، از زبان ملت ایران خطاب به همه‌ی برادران مسلمان در اکناف عالم عرض میکنم: اتحاد خودتان را حفظ کنید، مبادا بازیچه‌ی دست دشمنان مشترکی بشوید که به عنوان قومیت عرب و عجم، به عنوان مذهب شیعه و سنی، به عنوان گوناگون دیگر، میخواهند بین شما اختلاف بیندازند. آنها نه دوست شیعه هستند، نه دوست سنی؛ آنها دشمن اسلامند. برای اینکه اسلام را تضعیف بکنند، یکی از راه‌هایشان همین است که اینها را به جان هم بیندازند؛ کشورها را از همدیگر بترسانند. اینجا که علم اسلام برافراشته شده است، سعی کنند کشورها و دولت‌ها را از نظام اسلامی، از جمهوری اسلامی با انواع دروغ‌ها و فریب‌ها بترسانند. ما همه با هم برادریم. ملت ایران در راه پیشرفت و تعالی اسلامی قدم بر میدارد و به توفیق پروردگار با سرعت پیش میرود و این را متعلق به همه‌ی دنیای اسلام میداند؛ شرف خود را، شرف دنیای اسلام؛ پیشرفت خود را، پیشرفت امت اسلامی به حساب می‌آورد.

#### بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) 1387/04/04

مسئله فقط تحریک احساسات نیست؛ هدایت ذهنهاست. البته امروز خوشبختانه من می‌بینم که هم در این جلسه، هم در جلسات عزاداری و مناسبت‌هایی که مداحان عزیز

می‌آیند میخوانند، الحمد لله توجهات خوبی در این سالها پیدا شده، لیکن ظرفیت، خیلی ظرفیت عظیمی است. شما جوانهایی که اهل خواندن و سرودن و بیان کردن و برنامه اجرا کردن هستید، به نیاز امروز جامعه اسلامی نگاه کنید، ببینید چقدر ملت ما، جوانها و جامعه ما در کشاکش طوفانهای گوناگون تهاجم سیاسی و فرهنگی و انواع و اقسام تلقینات و تبلیغات، به نگاه نو، به روحیه سرشار از امید، به دل لایب از اطمینان به آینده، فهمیدن راه روشن احتیاج دارد. این را همه باید انجام دهند؛ هر کسی به یک نحوی. و شما میتوانید سهم وافر در این زمینه داشته باشید. به هر حال، مجموعه‌های اساتید و پیشکسوت‌های مداحی میتوانند کارهای خوبی انجام دهند. امیدواریم ان‌شاءالله انجام دهند.

#### بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان 1385/08/18

برای اینکه ما بتوانیم نسخه درست پیشرفت را پیدا کنیم، چه لازم داریم؟ بحث نظری. این، یکی از آن کارهایی است که شماها باید بکنید. پیشرفت یک کشور چیست؟ البته مقصودم این نیست که در بحثهای ذهنی و باز بیفتیم و همین‌طور خودمان را معطل مباحث ذهنی بکنیم؛ مباحث تئوریک بدون توجه به خارج و واقعیات؛ نه، اینها را نمی‌خواهم، این غلط است. مثل اینکه در باب تهاجم فرهنگی ما یک روزی گفتیم دارد تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد. این صحبت دوازده، سیزده سال قبل است. اگر از من می‌خواستند که تهاجم فرهنگی را نشان بدهم، من که با چشم خودم کأنه دارم تهاجم فرهنگی را می‌بینم، می‌توانستم موارد را نشان بدهم. در چندین سخنرانی نشان هم دادم؛ اما بعضیها شروع کردند به انکار تهاجم فرهنگی! و گفتند: نه آقا، چنین چیزی وجود ندارد! بنده به یاد بنی‌صدر افتادم. در اول جنگ تحمیلی عراق، دلسوزهای محلی می‌آمدند و می‌گفتند عراقیها به خاک ما حمله کردند؛ به مرز ما نفوذ و تجاوز کردند. ما به بنی‌صدر می‌گفتیم: رئیس جمهور! شما چه خبر دارید؟ می‌گویند عراقیها حمله کردند؛ می‌گفت دروغ می‌گویند؛ این سیاه برای اینکه خودش امکانات دست و پا کند، این حرفها را می‌زند! آنها را متهم می‌کردند. بعد هم به دهلران رفت - که هنوز آن وقت دهلران را نگرفته بودند - ایستاد و مصاحبه کرد؛ گفت: من الان در دهلرانم؛ می‌گویند عراقیها آمده‌اند؛ عراقیها کجایند؟! از دهلران بیرون آمد و دو ساعت بعد دهلران به وسیله عراقیها تصرف شد. نمی‌شود که واقعیات را با چشم روی هم گذاشتن انکار کرد. پادشاه معاصر حافظ، شاه شیخ ابواسحاق - که البته شاه بود، اما شیخ نبود؛ اسمش شیخ ابواسحاق است - یک جوان خوشگذران خوش قیافه بود که از شعرهای حافظ فهمیده می‌شود که به او خیلی علاقه داشته، وقتی امیر مبارزالدین آمده بود اطراف بیابانهای شیراز اردو زده بود و داشت خودش را آماده‌ی حمله‌ی به شیراز می‌کرد، این حاکم بدبخت شیراز که غرق در عیش و نوش خودش بود، خبر نداشت، وزیرش هم جرئت نمی‌کرد به او چیزی بگوید. اگر چیزی می‌گفتند، می‌گفت شماها بیخود می‌گویید. وزیرش یک روز تدبیری اندیشید و مثلاً گفت: جناب اعلی حضرت مایل نیستید که در این فصل بهار، بالای پشت بام برویم و این بیابان را نگاه کنیم و از این سبزه‌ی بیابان استفاده‌ای بکنیم؟ آن هم که چنین آدمی بود، گفت: چرا! برویم. بالای پشت بام قصر رفت، نگاه کرد و دید در بیابان اردو زده‌اند. گفت: اینجا چیست؟ گفت: اردوی مبارزالدین کرمانی است؛ آمده پدر شما و هم‌هی دربارتان را در بیاورد. به این بهانه و تدبیر، وجود دشمن را به او نشان داد. بعضی این‌طوری‌اند؛ چشمشان را روی هم می‌گذارند؛ گفتند تهاجم فرهنگی نیست. بعد که قبول کردند تهاجم فرهنگی هست، به دنبال بحثهای ذهنی رفتند! «تهاجم یعنی چه؟»، «فرهنگ یعنی چه؟»، «فرهنگی چه چیزهایی را شامل می‌شود و چه چیزهایی را شامل نمی‌شود؟» ما به اینها چه کار داریم؟! نقل می‌کنند قدیمها که در یک شهری، یک سینما درست کرده بودند؛ یک عده‌ای رفتند پیش عالم شهر - که آدم گوشه‌گیری بود - تا وادارش کنند که با این سینما مخالفت کند. گفتند: آقا! در این شهر سینما ساخته‌اند، شما یک اقدامی بکنید. عالم یک فکری کرد، گفت: حالا ببینیم این سینماست یا سی‌نماست یا سی‌نماست! کدام درست است؟! بنا کردند بحث نظری کردن که ضبط لفظ سینما را پیدا کنند! بنده طرفدار بحثهای نظری این‌طوری نیستم که برویم در آنها غرق بشویم؛ اما به هر حال باید بحثهای نظری انجام بگیرد تا معلوم شود که پیشرفت به چیست.

#### بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان 1385/08/17

عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوریهای جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال اینها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آنها می‌ریزند. باید در مقابل اینها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روشهای قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. اینها همه ملایمی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه‌ی اینها زیر عنوان مهارتهای دینی خلاصه می‌شود.

#### بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1385/03/29

امروز مهمترین چالش بیرونی تحمیلی ما، از ناحیه‌ی امریکاست؛ در این هیچ تردیدی نداشته باشید. اینها روی خاور میانه از قرن نوزدهم برنامه‌ریزی دارند - نه امریکاییها، غرب - چون خاورمیانه منطقه‌ی فاصل بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. دریای مدیترانه، محل استقرار دولتهای استعمارگر است و اقیانوس هند، منطقه‌ی مستعمرات؛ و خاور میانه بین این دو منطقه حساس قرار گرفته، که نمی‌توانستند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. فشارهای انگلیس روی ایران و نفوذش در قرن نوزدهم، برای حفاظت از هند - که آن روز جزو دولت بریتانیا بود - انجام گرفت و ما آن روز قربانی هند شدیم؛ و این نسبت به همه‌ی خاور میانه تعمیم دارد. پیدایش اسرائیل هم از همین‌جاست. بعد، عوامل گوناگون دیگری هم پیدا شد: مسئله‌ی نفت، مسئله‌ی تقسیم متصرفات عثمانی بعد از جنگ اول و مسئله‌ی پیدایش شوروی، که همه‌ی اینها، موضوع را تشدید کرد. غرب، بعد هم در آخر میراث‌خوار غرب - امریکا - روی منطقه‌ی خاور میانه برنامه‌ریزی دارند. حالا در این منطقه حساس که در آن نفت و منطقه‌ی راهبردی و استراتژیک جغرافیایی و سیاسی و همه چیز هست، ناگاهان دولتی به نام «جمهوری اسلامی»، با اصول خودش و با ضدیت با مبانی ظالمانه و سیاست متجاوزانه‌ی امریکا، سر بلند کرده است. بعضیها می‌گویند: شما چرا لاج امریکا را در می‌آورید؟ لاج امریکا را ملت درآوردند؛ شما درآوردید؛ جمهوری اسلامی را تشکیل دادید، لاج امریکا درآمده، چه کارش کنیم؟ آنها در آن دوره‌ی ده ساله‌ی اول، با توطئه‌ی براندازی سخت - جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی - شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی، هر کدام به نحوی برای ملت ایران و جمهوری اسلامی یک فرصت شد. این ابرهای تیره‌ای که آنها روی سر ملت ایران راه انداختند، در دل خود، برای ملت ایران بارانهای نافع داشت. جنگ، ما را مصمم و استوار کرد؛ تحریم اقتصادی، ما را به فکر اتکال به خود انداخت و همه‌ی این برکات را برای ما آورد. در دوره‌ی بعد، براندازی نرم را دنبال کردند - تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی - که آن هم به جایی نرسید و بعد از سالهای متمادی، نتیجه این شد که حالا یک دولت متکی به اصول و با شعار اصول سرکار می‌آید، که پیاداست تهاجم فرهنگی نتوانسته آن کاری که آنها می‌خواستند، بکند. بعد از این هم توطئه‌های دیگر در راه است، که ما باید خودمان را مصون کنیم. بخشی از این مصونیت با اتحاد، با ایمان، با به کارگیری عقل و علم به وجود می‌آید. تأکید می‌کنم که اگر انسان چشم را ببندد و راه بیفتد، کاری پیش نمی‌رود؛ با چشم باز، با حواس جمع، با اتحاد کلمه و با استفاده از همه‌ی فرصتها باید پیش رفت. همه‌ی مشکلات یکی پس از دیگری حل خواهد شد؛ قله‌ها یکی پس از دیگری فتح خواهد شد.

#### بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1384/04/07

انقلاب زنده است، این اصول زنده است؛ هیچ مانعی ندارد که برگ و بار عوض بشود. خزانهایی در راه است؛ این یک حرکت طبیعی است برای موجودات زنده‌ی عالم. همیشه ریزش و رویش وجود دارد؛ مهم این است که در کنار ریزش، رویش هم وجود داشته باشد؛ و امروز این‌جور است. بحمدالله انقلاب علی‌رغم همه‌ی تبلیغات، همه‌ی تخریبها، همه‌ی ضربه‌ها، همه‌ی تهاجمهای از اطراف و اکناف - تهاجم سیاسی، فشار اقتصادی، تهاجم فرهنگی - پیشرفت کرده؛ این انقلاب زنده، بانشاط و مشغول پیشرفت است؛ منتها خیلی از افراد ظاهری نمی‌فهمند و حقیقت را درک نمی‌کنند؛ مگر این‌که حقیقت خودش را با واقعیت سنگین به آنها تحمیل کند؛ و همین‌جور هم هست. امروز هم شما نگاه می‌کنید و می‌بینید که علی‌رغم این‌که مخالفان ملت ایران، دشمنان و توطئه‌گران ملت ایران، عظمت این ملت و عظمت این حضور سنی میلیونی و عظمت این انتخابات را دیدند و در دل خودشان تحقیر شدند، هنوز در زبان حاضر نیستند اعتراف کنند؛ اما واقعیت قضیه این است که این ملت با حرکت خود، با حضور خود، با نشاط خود، بر روی همه‌ی توطئه‌ها خط بطلان کشید، بعد از این هم همین‌جور خواهد بود؛ منتها شرطش ادامگی تقواست، که تقوا موجب رحمت الهی است.

#### بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان کرمان 1384/02/15

یک بخش دیگر، امنیت فرهنگی و امنیت اخلاقی است. مردم به جوانان و به فرزندان خود علاقه‌مندند و از این‌که آنها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاق بشوند، دچار وسوسه‌هایی بشوند که آنها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند؛ این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می‌کند؟ چه چیزی برطرف می‌کند؟ امنیت فرهنگی را هم در بخش عظیمی، نیروهای بسیج، نیروهای مؤمن، جان بر کف، تأمین می‌کنند.

ترکیب نیروهای مسلح در کشور ما یک ترکیب منطقی و عالی است. ارتش در جای خود، سپاه در جای خود، بسیج در جای خود، نیروی انتظامی در جای خود؛ هر کدام با وظایف مشخص مشغول کارند و محصول همه‌ی اینها عبارت است از امنیت کشور. و آن وقتی که دشمن قصد تهاجم داشته باشد - چه تهاجم فرهنگی، چه تهاجم شهری و شهروندی، چه تهاجم از بیرون مرزها - حضور این نیروها برای ملت مایه افتخار است؛ مایه سربلندی و عزت است.

**بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما 1383/09/11**

چهارم، مصونیت دادن به ذهن جامعه از تأثیر مخرب تهاجم فرهنگی و ارزشی دشمن، که اشاره شد.

**بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما 1383/09/11**

یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنهاست، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ماست. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه‌جا اینها دارند کار فرهنگی می‌کنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدفهای استکبار جهانی در زمینه‌های تبلیغی و فرهنگی و رسانه‌یی متوجه به ماست؛ ما باید در مقابل اینها خود را مجهز کنیم.

**بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان 1383/04/17**

چرا ایران باید در ردیف کشورهای به اصطلاح در حال توسعه - یعنی توسعه‌نیافته - قرار بگیرد؟ «در حال توسعه» یک تعبیر تعارف‌آمیز است؛ یعنی عقب‌مانده و توسعه‌نیافته. مگر ذهن و استعداد و قدرت فکری ما از کسانی که امروز دویست سال در دنیا علم پیش‌تازند، کمتر است؟ می‌بینید که کمتر نیست. آنها از لحاظ علمی دویست سال از ما جلوترند؛ این گناه پادشاهان است؛ گناه نظام دیکتاتوری است؛ گناه خاندان‌های پلیدی است که بر این کشور حکومت کردند؛ گناه خاندان پهلوی است. همین احساسی که امروز من و شما داریم و باید در این کشور حاکم می‌بود، یک روز آن را کوییدند و خفه کردند. چرا خفه کردند؟ چون رؤسای این کشور، دست‌نشانده‌های همان قدرتهایی بودند که نمی‌خواستند این کشور این‌طور حرکت و رشد کند؛ نمی‌خواستند این منبع ثروت مفت و مجانی را از دست بدهند. اگر صاحب خانه بیدار باشد، دزد نمی‌تواند وسایل خانه را جلوی چشم او جمع کند و ببرد. یا باید صاحب‌خانه را خواب کنند، یا باید دست و پایش را ببندند؛ والا اگر بیدار باشد، دست و پایش باز باشد و قدرت هم داشته باشد، مگر به دزد اجازه می‌دهد؟ کسانی که می‌خواستند ایرانی خواب باشد، دست و پایش بسته باشد و حرکتی در راه مالک شدن موجودی و ثروت طبیعی خود نکند، آمدند کسانی را در رأس این مملکت گذاشتند. رضاخان را انگلیسی‌ها گذاشتند؛ محمدرضا را اتحادی میان انگلیس و آمریکا بر این مملکت گذاشت. پنجاه‌وچند سال اینها این مملکت را در درخشان‌ترین فرصت‌های جهانی معطل و معوق گذاشتند. نه فقط از لحاظ سیاسی و امنیتی، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز ما را عقب نگه داشتند. من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌یی خیال می‌کنند مراد من این است که مثلا پسری موهایش را تا این‌جا بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا این‌جا مخالفم. مسأله‌ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌یی می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این‌جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدید می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند! دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سالهای اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌یی هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه‌ی قدیمی نگاه می‌کنند! اینها دو عیب دارند: یکی این‌که مقلدند، دوم این‌که از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه‌ی خود نگه داشته‌اند و امروز به جوانهای ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند!

**بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما 1383/02/28**

کسانی که رژیم پهلوی را روی کار آوردند، هیچ کدام از شاخصه‌های ملیت را حاضر نبودند تحمل کنند. البته ملیت ما از اول با اسلام آمیخته بود؛ زبانمان، آدابمان، دانشمان و دانشمندانمان با اسلام آمیخته بودند. در تاریخ می‌بینید که دانشمندان برجسته و نام‌آور و ماندگار ما کسانی هستند که دانش دین را در کنار دانشهای معمولی زندگی دارا بودند؛ یعنی همه‌ی دانشها از مجموعه‌ی دین برآمده است. البته این به آن معنا نیست که طلاب مدرسه‌ی دینی این خصوصیت را داشتند؛ نه، جامعه، جامعه‌ی دینی بود. فرهنگ ما، دانش ما، رفتار ما و سنتهای ما با دین آمیخته است و بسیاری از آنها از دین سرچشمه گرفته است. وقتی با هویت ملی و شاخصه‌های آن مبارزه می‌کردند، فحشا مبارزه با دین جزوش بود و چون دین و ایمان پشتوانه‌ی همه‌ی ارزشهای انسانی است، طبیعا با ایمان هم بشدت مخالفت می‌کردند. اینها حاضر نشدند قبول کنند که ما حتی لباس محلی داشته باشیم. ما ایرانی‌ها با چند هزار سال سابقه، لباس بومی نداریم و لباس محلی و بومی‌مان را نمی‌شناسیم، در حالی‌که خیلی از کشورهای دیگر دنیا دارند. البته لباس بومی، مانع پیشرفت هم نیست؛ اما ما نداریم؛ چون آنها نگذاشتند. این، عمل به همان توصیه‌ی است که می‌گفت ایرانی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شود! ببینید خودباختگی تا کجا. این‌که من همیشه می‌گویم تهاجم فرهنگی، تهاجم فرهنگی این است.

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگیها و زبده‌گرینی از فرهنگهای دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به‌طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز خوب، زیبا و باارزشی را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فرا بگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبانهای مردم ما که «اطلبوا العلم ولو بالصدین» یا «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می‌گوید، اگر سخن خوب است، آن را فرابگیر، این گرفتن، گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زبده‌گرینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است. من بارها گفته‌ام که یک وقت هست که یک انسان با میل خود و بر طبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی‌اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده‌ی لازمی را انتخاب می‌کند و آن را داخل جسم خودش می‌کند؛ این، گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک وقت هست که یک نفر را می‌خوانند و ماده‌ای را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتها دارد و نه برایش مفید است، به‌زور در حلقش می‌ریزند، یا به او تزریق می‌کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، تهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سالهای متمادی کردند. از سیاستمدارانی که وابسته بودند، از آنهاپی که با قراردادهای مالی دهن‌شان را می‌بستند، هیچ توقعی نیست؛ اما از شخصیت‌های علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده‌ی هستند، ولو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه‌ها را باز کردند و چشمها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. این‌که در عرف دوره‌ی جوانی من - که حالا خوشبختانه آن‌طور نیست و خیلی فرق کرده - واقعا هر کالایی به صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن زمانها بود و در داخل کشور هم جرأت و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن‌بستها و شکستن مرزهای دانش اصلا قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می‌دیدند، به هیچ راهی جز این‌که در محیطهای خارج از کشور کار کنند، فکر نمی‌کردند. این‌که ما خودمان بسازیم، خودمان تولید

کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود. بنده از اطلاعات و گزارش‌های گوناگونی که در اختیارم قرار گرفته، نمونه‌های عینی خیلی فراوانی را سراغ دارم که شاید بعضی از شماها هم این موارد را بدانید. اما امروز نه، امروز خوشبختانه این حالت دلیری و خودانگاپی و شجاعت وارد شدن در میدانهای گوناگون هست. این فرهنگ را انقلاب عوض کرد. مقوله‌ی فرهنگ این است. این یک مثال و یک مصداق بود.

**بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما 1383/02/28**

فرهنگ مایه‌ی اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفته‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ی در مجموعه‌ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند. من به حوادث دوران استعمار که نگاه می‌کردم - دوران استعمار تقریباً از اواخر قرن هجدهم میلادی شروع شد، در قرن نوزدهم به اوج رسید و تا اواسط قرن بیستم هم ادامه پیدا کرد. حرکت استعمار یعنی حضور قدرتهای مسلط نظامی و سیاسی دنیا در کشورهایی که می‌توانستند با استفاده از زور در آنها حضور پیدا کنند و منافع خودشان را از آنها تأمین کنند و در واقع از موجودی مادی و معنوی آن کشور سرمایه‌ی برای خودشان بسازند، همان چیزی که آنها اسمش را استعمار گذاشتند و امروز هم اطلاق می‌شود - می‌دیدم هر جا که اینها وارد شده‌اند، اگر این توانایی را پیدا کرده‌اند که فرهنگ آن ملت را مضمحل کنند و تحت تأثیر قرار دهند و تضعیف کنند، پایه‌های قدرتشان در آنجا مستحکم شده و اگر در جایی فرهنگ ملی و بومی به‌خاطر کهنسال بودن، ریشه‌دار بودن و برجسته بودن مضمحل نشده و از بین نرفته، استعمارگرها و اشغالگرها نتوانسته‌اند مدت زیادی از آنجا منافع خودشان را تأمین کنند و ناچار شدند که آن منطقه را رها کنند. این در مورد همه‌ی جهانگشاییها و کشورگشاییهای دورانهای گذشته‌ی تاریخ هم - که ما در تاریخ می‌خوانیم - صادق است. آن کشورگشایی توانسته‌اند در سرزمینهای گشوده شده‌ی با شمشیر، با زور پایدار بمانند و مقاصد و سلطه‌ی خودشان را در آن سرزمینها اعمال کنند، که توانسته باشند فرهنگ آن کشور را در مشت و در اختیار بگیرند. حالا گاهی یک فرهنگ را ریشه‌کن می‌کنند؛ مثل این‌که زبان یک کشور را بکل از بین می‌برند. شما الان ملاحظه کنید که آفریقا، امریکای لاتین و بسیاری از کشورها، زبان بومی اصلاً ندارند. پرتغالی‌ها و اسپانیول‌ها آنجا آمدند و زبانها را عوض کردند؛ زبانهای بومی و بسیاری از نشانه‌های فرهنگ را از بین بردند؛ البته یک جاهایی هم نتوانستند. فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگیها و زبده‌گزینی از فرهنگهای دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به‌طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز خوب، زیبا و باارزشی را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فرا بگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبانهای مردم ما که «اطلبوا العلم ولو بالصین» یا «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می‌گوید، اگر سخن خوب است، آن را فرا بگیر، این گرفتن، گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زبده‌گزینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است. من بارها گفته‌ام که یک وقت هست که یک انسان با میل خود و بر طبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی‌اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده‌ی لازمی را انتخاب می‌کند و آن را داخل جسم خودش می‌کند؛ این، گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک وقت هست که یک نفر را می‌خوانانند و ماده‌ای را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتها دارد و نه برایش مفید است، به‌زور در حلقش می‌ریزند، یا به او تزریق می‌کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، تهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سالهای متمادی کردند. از سیاستمدارانی که وابسته بودند، از آنهایی که با قراردادهای مالی دهنشان را می‌بستند، هیچ توقعی نیست؛ اما از شخصیت‌های علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده‌ی هستند، ولو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه‌ها را باز کردند و چشمها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. این‌که در عرف دوره‌ی جوانی من - که حالا خوشبختانه آنطور نیست و خیلی فرق کرده - واقعاً هر کالایی به‌صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به‌صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن زمانها بود و در داخل کشور هم جرأت و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن‌بستها و شکستن مرزهای دانش اصلاً قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می‌دیدند، به هیچ راهی جز این‌که در محیطهای خارج از کشور کار کنند، فکر نمی‌کردند. این‌که ما خودمان بسازیم، خودمان تولید کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود. بنده از اطلاعات و گزارش‌های گوناگونی که در اختیارم قرار گرفته، نمونه‌های عینی خیلی فراوانی را سراغ دارم که شاید بعضی از شماها هم این موارد را بدانید. اما امروز نه، امروز خوشبختانه این حالت دلیری و خودانگاپی و شجاعت وارد شدن در میدانهای گوناگون هست. این فرهنگ را انقلاب عوض کرد. مقوله‌ی فرهنگ این است. این یک مثال و یک مصداق بود.

**بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1383/01/02**

پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد. باید دستگاه‌های فرهنگی کشور - چه آنچه مربوط به دولت است، چه آنچه زیرمجموعه دولت نیست، مثل صدا و سیما - روشن کنند که در مقابل تهاجم گسترده‌ی فرهنگی دشمنان چه تدابیری را برای اعتلای و بارور کردن فرهنگ اسلامی و انقلابی و عمومیت بخشیدن به نقاط برجسته‌ی آن به‌کار بسته‌اند. دستگاه‌های اقتصادی هم بیان کنند که برای بارور کردن اقتصاد کشور، پر کردن شکاف طبقاتی، برطرف کردن فقر و محرومیت از طبقات محروم کشور و آباد کردن این کشور پربرکت و قابل آبادی در همه‌ی مناطق وسیع آن، چه تلاشی انجام داده‌اند. دستگاه‌های علمی کشور - که مدیران آن در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه‌ی کشورند - مشخص کنند که برای تولید علم، آزاداندیشی علمی و تضارب افکار - که ما از دانشگاه و حوزه این مسائل را مطالبه کردیم - چه تلاش و کار بزرگی را انجام داده‌اند؛ چقدر پیش رفته‌اند و چه کارهای دیگری را بایستی انجام دهند. دستگاه‌های صنعتی و دستگاه کشاورزی کشور هم توضیح دهند. قوه‌ی قضاییه‌ی کشور توضیح دهد که برای احقاق حق مظلومان و برای این‌که مظلومان کشور حقیقتاً قوه‌ی قضاییه را ملجأ و مأوای خود بدانند و به آن پناه ببرند، چه تلاشها و کارهایی را انجام داده است. قوه‌ی مقننه که دو وظیفه‌ی عمده‌ی قانونگذاری و نظارت را برعهده دارد، مشخص کند که در امر قانونگذاری چه تلاشهایی را انجام داده تا قوانینی را بگذرانند که برای تسهیل اصلاح حقیقی کشور لازم است؛ همچنین این قوه مشخص کند که در امر نظارت بر دستگاه‌ها و مراقبت از صحت عمل آنها چه تلاشی را به انجام رسانده است.

**بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین 1382/09/26**

بزرگترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دوپست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های مشرق و بخصوص ملت‌های اسلامی آمد، همین بود که در مقابل تبلیغات غرب مرعوب شدند و عقب‌نشینی کردند. این تهاجم خونین و بسیار سهمگین را که سردمداران استعمار غربی از طریق فرهنگ به آنها کردند، نتوانستند تحمل کنند و مجبور شدند عقب‌نشینی کنند و دست‌هایشان را بالا ببرند. در همه‌ی زمینه‌های زندگی، غربیها و اروپاییها فکری را پرتاب کردند که هرکس با آن مخالفت کرد، شروع کردند به هوچیگری و مسخره و اهانت کردن؛ فشار آوردند تا فرهنگ خودشان را حاکم کنند. این فرهنگ تنها امتیازی که داشت این بود که فرهنگ اروپایی بود؛ هیچ امتیاز دیگری نداشت. البته هرکدام از ملت‌ها فرهنگی دارند که می‌توانند از یکدیگر استفاده کنند و فرهنگ خود را با گرفتن تجربه و درس از دیگران تکمیل نمایند. ما با این مخالفتی نداریم و صددرصد موافقیم؛ اما آنچه در دنیا پیش آمد، این نبود.

تفاوت بین تهاجم و تعامل فرهنگی در این است که تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی‌فروشی می‌روید و آنچه را که می‌لتن می‌کشد، چشم شما و کامتان می‌پسندد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد. «اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ این را هزار و چهارصد سال پیش به ما یاد دادند. در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خوانانند، دست و پاتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست و نمی‌دانید برای شما مفید است یا نه، با آمبول به شما تزریق می‌کنند. البته دنیای غرب نگذاشت ما حس کنیم که دست و پیمان را گرفته‌اند و به ما تزریق می‌کنند؛ صورت قضیه را طوری قرار داد که ما خیال

کردیم انتخاب می‌کنیم، در حالی که انتخاب نمی‌کردیم؛ بر ما تحمیل کردند. آن وقت اینها همان کسانی هستند که اگر اندک خدش‌های به فرهنگ رایج و مورد قبولشان وارد شود، جنجال راه می‌اندازند. شما ببینید در فرانسه که آن را مهد آزادی می‌دانند، برای سه چهارم دختر روسری‌دار مسلمان چه سر و صدایی راه انداخته‌اند! این است که می‌گوییم باید فکر کنیم؛ باید تحلیل کنیم. اندیشه‌ی ترجمه‌ای برای یک ملت، سرنوشت بسیار سختی را به وجود می‌آورد. این توصیه‌ی همیشگی من به شما جوانان عزیز است.

#### بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1382/04/07

اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد. ملاحظه می‌کنید امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به‌طور واضح و جلو چشم، همه می‌بینند و مشاهده می‌کنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار می‌کند - که مکرر به عنوان هشدار به مسئولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده‌ایم - و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز درصدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد.

#### بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

تهاجم فرهنگی یک مسأله‌ی بسیط نیست؛ بلکه طراحیها و برنامه‌ریزیهایی که دشمن برای هدف قرار دادن اعتقاد، اخلاق و فضیلت در فشرده‌های مختلف می‌کند، هرکدام به نحوی با وسایل و ابزارهای فرهنگی است و طبعاً مقابله با آنها نیز متنوع است و نمی‌شود یک نسخه‌ی واحد برای همه جا نوشت. به نظر من در محیط دانشگاه، همین مجموعه‌ها - تشکلهایی که نامه‌ای هم به نام آنها خطاب به بنده خوانده شد - خوب کار می‌کنند. الان کارهای خوبی در دانشگاهها انجام می‌گیرد. آنطور که من در ذهنم هست، در بعضی از دانشگاهها کارهای بسیار خوب فرهنگی از طرف خود جوانان انجام می‌گیرد. این را هم عرض کنم که در خیلی از این زمینه‌ها اصلاً شما نباید از بنده بپرسید که چه کار کنیم. شما خودتان جوانید، با فکر و دانشجو هستید؛ بگردید ببینید چه کار باید بکنید. خیلی تلاش و مجاهدت در زمینه‌های فرهنگی خوب می‌شود کرد؛ البته مواظب باشید عمیق باشد. کار سطحی فرهنگی مفید نیست؛ گاهی هم مضر است.

با توجه به این که یکی از جنبه‌های تهاجم دشمن، تهاجم فرهنگی و فاسد کردن جوانان و بخصوص زنان و توجه دادن مردم به شهوات و نفسانیات است و در بسیاری از جوامع اسلامی، دشمنان ابتدا از این طریق مردم را خلع سلاح کرده‌اند، و نیز با توجه به بحران کنونی حجاب در جامعه و حتی در دانشگاهها، وظیفه‌ی مردم، بخصوص دانشجویان و تشکلهای اسلامی در جامعه و در دانشگاهها چیست و راه حل، حکم و توصیه‌ی شما در این مورد به تشکلهای اسلامی چیست؟

توصیه‌ی بنده معلوم است: حجاب را رعایت کنید و این لازم و واجب است. به برادر یا خواهری که این نامه را نوشته‌اند، می‌خواهم بگویم این‌طور هم نیست که شما می‌گویید زنهای ما بی‌حجاب شده‌اند. ممکن است بعضی بگویند چشم شما به خواهرانی افتاده که همه حجاب دارند؛ نه، من گاهی به خیابان می‌روم تا مخصوصاً وضع مردان و زنان را ببینم؛ البته با نگاه حلال و نه حرام. آنطور که بعضی تصویر می‌کنند، به نظر من نمی‌آید. البته چرا، اشکالاتی وجود دارد؛ من هم از همه‌ی گوشه و کنارها با خبر نیستم. هرجا چنین وضعی وجود داشته باشد، راه آن نهی از منکر است.

#### بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

این که ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ماست؛ به این مسأله توجه داشته باشید. ندانستن این که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند؛ ما باید این را کاملاً بدانیم. از سالهای هفتادوسه و هفتادوچهار بتدریج و به‌صورت روزافزون، مبارزه‌ی اعتقادی - اخلاقی شروع شد. بنده همان وقتها شروع این مبارزه را احساس کردم. بحث تهاجم فرهنگی‌ای که مطرح کردیم، ناشی از این بخش قضیه بود. در کنار حرکات عملی سیاسی و اقتصادی و غیره، حقیقتاً یک تهاجم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی و با ابزارهای فرهنگی آغاز شد.

#### بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما 1381/11/15

حال شما ببینید که در وضع کنونی و با این جغرافیای فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی موجود دنیا، چنین کشوری با این اهداف و با این موقعیت و جایگاهی که برای خود انتخاب کرده، در این جنگ رسانه‌ای چه موضعی دارد. طبیعی است که ما مورد تهاجم باشیم؛ یعنی هیچ شبهه‌ای نباید به ذهن راه بیاید در این که ما یکی از اهداف اصلی و اولی تهاجم رسانه‌ای هستیم. حالا ما در مقابل این تهاجم در این جنگ بزرگ و البته نابرابر، می‌خواهیم وظایفمان را انجام دهیم. چه کار باید بکنیم؟ شما ببینید کار ما چقدر سنگین و حساس است! پرتوفعی ما از شما، ناشی از این است.

#### بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم 1381/11/08

این تابلو تهاجم فرهنگی را که ما چند سال پیش بلند کردیم و عده‌ای سنگارانش کردند، خوشبختانه اینها قبول و بلند کرده‌اند. الان در همه‌ی این تشکلهای کوچک ناشناخته و احصا نشده، جهت واحدی وجود دارد و آن مبارزه با تهاجم فرهنگی است. از بچه‌ها می‌پرسید شما می‌خواهید چه کار کنید؛ این کتاب، نمایشنامه، جزوه، بروشور و شعر را برای چه نوشتید و این انجمن را برای چه درست کردید؟ می‌گویند می‌خواهیم با تهاجم فرهنگی مبارزه کنیم. این کار خیلی مبارک است و این را دست کم نگیرید. در بین همینهاست که شما آن معدنهای الماس و طلا را پیدا می‌کنید: «الناس معادن الذهب والفضة». بروید و آنها را شناسایی و گزینش کنید و به شکل حساب شده‌ای وارد مجموعه نمایید. البته می‌توانید مجموعه را دارای دهلیزها و گردونها و گیتیه‌های گوناگون کنید تا اینها را راحت و بی‌دغدغه وارد کنید؛ یعنی از یک قرنطینه‌ی ناآشکاری بگذرانید و بعد وارد اصل مجموعه کنید. از این کارها باید بکنید.

#### بیانات در دیدار مردم قم 1380/10/19

سالها پیش، من یک روز راجع به تهاجم فرهنگی صحبت کردم و گفتم دشمن از روزه‌های فرهنگی به ما حمله می‌کند؛ اما متأسفانه عده‌ای این را نفهمیدند. بعضی صریح و بعضی هم در پرده گفتند فلانی به چه چیزی حمله می‌کند؟! کدام تهاجم، چه تهاجمی؟! امروز بعد از گذشت چند سال، آدمهای دیرفهم کم‌کم می‌فهمند که تهاجم فرهنگی یعنی چه! موج حملات فرهنگی دشمن که ایمان جوانان را هدف قرار داده، حالا به چشمشان می‌آید و ابزار نگرانی می‌کنند! می‌بینند در همه‌ی محیطهایی که جوانان حضور دارند، دشمن می‌خواهد جاپایی از خود به جا بگذارد و عقیده‌ی آنها را به انقلاب و دین و امام برگرداند؛ حتی عده‌ای در این که این ملت استقلال می‌خواهد، خدشه می‌کنند! یعنی درست همان خواست دشمن؛ یعنی تهاجم فرهنگی. مسئولان کشور این خودآگاهی را لازم دارند تا بدانند دشمن از کجا حمله می‌کند. اگر فهمیدند، بیدار خواهند بود. آن‌گاه شجاعت و تقوا و پاکدامنی آنها به کار این ملت خواهد آمد.

#### بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح 1380/07/04

دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می‌کند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ در واقع مقاومت‌شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهمترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دلها فرو بریزند و از بین ببرند.

#### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان 1380/06/15

در نگاه واضحی که انسان به مسائل می‌کند، می‌تواند چند نقطه را به‌روشنی پیدا کند. یک نقطه، نظریه‌ی حکومت اسلامی است. این، یکی از موارد آماج حملات دشمن



است. یا به مبانی اسلام، یا به قانون اساسی و یا به برخی از بخشهای برجسته نظام اسلامی که علامت و شاخصه نظام است، تهاجم فکری و نظری می‌شود. این تهاجم از تهاجم عملی کم‌اهمیت‌تر نیست. چون - همان‌طور که آقایان اشاره کردند - تکیه نظام اسلامی به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ایمان آنهاست؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند کرد؛ اما اگر پایه ایمان سست شد، این پشتیبانی و این دفاع به مرور از بین خواهد رفت. بنابراین چیزی که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نباید دست‌کم گرفت. علاج این کار، بیکار نظری است. یک حرکت علمی در این زمینه لازم است. البته ما دولت را از این مسؤلیت برکنار نمی‌کنیم. خطاب و عتاب ما در طول این سالها تا امروز به وزارت ارشاد و دستگاههایی که تبلیغات رسمی را بر عهده دارند، به خاطر همین جهت بوده است. بالاخره دولت یکی از مهمترین مسؤلیتها را بر عهده دارد؛ کمالین که صدا و سیما بخش مهمی از این مسؤلیت را بر عهده دارد؛ کمالین که همه دستگاههای هنری که به نظام اسلامی وابسته‌اند، مسؤوند؛ لیکن مسؤولیت‌های دولتی را نباید نافی مسؤولیت‌های علما و حوزه‌های علمیه گرفت. بالاخره تولید و تبیین و تدوین فکر، کار حوزه‌های علمیه است و حوزه‌های علمیه باید در این زمینه وارد میدان شوند.

#### بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری سال 1380/05/11

مسأله‌ی دوم، توجه به فرهنگ عمومی کشور است. من به دوستان - از جمله به رئیس جمهور محترم - قبلا این را عرض کرده‌ام. یکی از مسائلی که دشمن به‌طور جدی در کشور تبلیغ می‌کند، مسأله‌ی اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندیها و تقیدات و تکیه‌گاههایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مضمم می‌کند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاستهای دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند. چند سالی است که این را در تبلیغاتشان شروع کرده‌اند. بنده از همان اوایلی که این تبلیغات در رفتارهای دشمنان کشور، اجرایی و عملیاتی شده بود - حدود ده، یازده سال پیش - متوجه این نکته شدم و به همه، بخصوص به مسؤولان فرهنگی هشدار دادم و گفتم اینها می‌خواهند اصل اعتبار انقلاب را زیر سؤال ببرند؛ انقلابی که یکی از افتخارات تاریخ بشری در زمان ماست؛ انقلابی که یک ملت با دست خالی و به برکت ایمان، آن هم در مقابل یک دژ علی‌الظاهر تسخیرناپذیر استنکار در این منطقه آن را بر پا کرد و موفق شد؛ انقلابی به نام خدا؛ انقلابی در راه ارزشهای اسلامی؛ انقلابی که ملت‌های مسلمان را به اسلامشان امیدوار و به هویت اسلامیشان دلگرم کرد؛ انقلابی که در همه‌ی نقاط جهان ملت‌ها را خودباوری بخشید و آنها احساس کردند که یک ملت - وقتی که عزم و اراده‌ای از خود نشان دهد - می‌تواند بر بزرگترین موانع پیروز شود و فائق آید. دشمنان می‌خواستند پیام آزادی، معنویت، ارزش و فضیلت و کرامت انسانی‌ای را که در این انقلاب بود، ندیده بگیرند. این کاری بود که به صورت برنامه‌ریزی شده و با انواع و اقسام طرق تبلیغاتی، آن را دنبال کردند. البته - متأسفانه - یک عده غافل، به صورت پادو در داخل هم همانها را تبلیغ کردند و هنوز هم می‌کنند. این برای آن است که پشتوانه‌ی فکری - که در واقع تکیه‌گاه اراده و عزم راسخ مردم است - از آنها گرفته شود و مردم احساس کنند پشتشان خالی است. مگر بدون ایمان و اعتقاد و بدون باور به راهی که انسان در آن قدم گذاشته، می‌شود آن راه را ادامه داد؟ همه باید مسائل فرهنگی را جدی بگیرند. مظهر این تهاجم، همان اباحیگری است که از راه خدشه در اعتقادات، تشویق جریانهای خلاف اخلاق در جامعه و تشویق و ترویج انواع و اقسام فسادها ایجاد می‌شود. اینها چیزهایی است که همه‌ی مسؤولان کشور باید به آن بسیار توجه کنند و فقط مخصوص مسؤولان فرهنگی نیست.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1380/02/28

اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسؤولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است.

اقتدار فرهنگی هم همین‌طور است؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود.

#### بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلا‌ی رشت 1380/02/12

من یک وقت گفتم که فرق تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی چیست. تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای این که کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خود آن را داخل کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که نه، ما انتخاب نمی‌کنیم؛ دست و پای ما را می‌گیرند، یا بیهوشمان می‌کنند، یا مستمان می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدن ما تزریق می‌کنند. آیا اینها با هم فرق ندارد؟! من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرنترین شیوه‌ها، آنچه را که خودش می‌خواهد، از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند.

#### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1380/01/01

البته متن ملت عزیز ما، تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد؛ اما کسانی که خودشان اشتباه کردند، در بین ما هستند. اینها راه غلطی رفتند و بعضی از مجموعه‌ها را هم با خودشان به راه غلط کشاندند. امام به ملت ما یاد دادند که باید مسؤولان در فکر ضعف و پاره‌نه‌ها باشند و به نیازهای مردم توجه کنند. آنها در تبلیغات و در تهاجم فرهنگی خود، توجه به خواست قدرتهای استکباری را ملاک قرار دادند؛ ببینند آمریکا از چه چیزی بدش می‌آید، از آن پرهیز کنند؛ ببینند قلدان و زورگویان عالم به چه چیزی تمایل دارند، به طرف آن حرکت کنند. این نقطه‌ی مقابل تعالیم جمهوری اسلامی است که در گفتار امام بزرگوار ما تجلی می‌کرد. امام به ما یاد دادند که هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید؛ اما عده‌ای فریادهای خود را بر سر خودیها کشیدند؛ به دیگران هم یاد می‌دهند که بر سر همدیگر فریاد بکشند! امام در وصیت‌نامه و در تعلیمات دوران حیات بابرکت خود تکرار می‌کردند که از غریبه‌ها و نامحرما و نفوذیها برحذر باشید. مراقب باشید تا کسانی که با این انقلاب و این نظام و این اسلام و با منافع مردم هیچ میانه‌ی خوبی ندارند، در ارکان تصمیم‌گیری کشور نفوذ نکنند. مسأله‌ی غریبه‌ها و ناهلها و نامحرما را، اول امام مطرح کردند. اینها در مقابل آن جهت و آن خط روشن، می‌گویند از دوستان و از خودیها برحذر باشید و پرهیز کنید. اینها را با نامهای گوناگون و چپ و راست مطرح می‌کنند. اگر شما هر کدام از این رادیوهای بیگانه را باز کنید، در هر یک از برنامه‌هایشان، حداقل چند بار اسم جناح محافظه‌کار و نوگرا را مطرح می‌کنند؛ تعبیراتی که ملت ایران و علاقه‌مندان به انقلاب و مؤمنان و وفاداران به مصالح عمومی این ملت و این کشور را به جبهه‌های مختلفی تقسیم می‌کند. امام می‌گفتند ایران یکپارچه، ملت متحد و هم‌بازان؛ اما عده‌ای سعی می‌کنند طبق خواست و میل و صلاحدید دشمنان این ملت، جهات غیرعمومی را - قومیتها و مذاهب و دسته دسته کردن مردم و بازی با الفاظی از قبیل حزب و امثال آن را - در میان مردم رایج کنند و یکپارچگی مردم و آن وحدتی را که می‌تواند ایران اسلامی را از لابلای توفانها عبور دهد، به هر شکلی دچار انشقاق و پراکندگی کنند.

#### بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر 1379/12/22

من هفت، هشت سال پیش، مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم؛ اما خیلیها با این قضیه برخورد تندی کردند و گفتند تهاجم فرهنگی چیست؛ در حالی که یک واقعیت بسیار مهم، حساس و خطرناک است. غربیها سعی می‌کنند عرفهای فرهنگی خودشان را بر کشورهای مختلف تحمیل کنند. یک مدیر اگر در مقابل اینها حالت وادادگی پیدا کرد، همین چیزهایی که پیش آمده، پیش می‌آید. وادادگی مدیران، یکی از مهمترین و مؤثرترین و مضرترین عواملی است که دستگاههای فرهنگی را به انحراف می‌کشاند. وقتی که دستگاه فرهنگی منحرف شد، نتیجه‌اش در بیرون معلوم می‌شود. آن دستگاهی که باید در جهت رشد فکری و فرهنگی و عملی انسانها فیلم بسازد و کتاب تولید کند و تمام ابزارهای فرهنگی را در این جهت به کار بیندازد، وقتی می‌بینم که در این زمینه‌ها کم‌کاری دارد، طبیعتاً مورد عتاب من قرار می‌گیرد. این را نباید حمل بر یک جهتگیری سیاسی کرد؛ همین چیزی است که این خواهر یا برادرمان این‌جا نوشته‌اند

#### بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر 1379/12/09

این مسأله‌ی تهاجم فرهنگی‌ای که ما مطرح کردیم، بعضی کسان به‌شدت از آن آزرده شدند و گفتند چرا می‌گویید تهاجم فرهنگی؟! در حالی که تهاجم فرهنگی، وسط میدان مشغول مبارز طلبیدن است، بعضی کسان سعی کردند آن را در گوشه و کنار پیدا کنند! این تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ مسأله این است که یک مجموعه‌ی فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و توتو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه‌ی باورها و

چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌های دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگتر و سخت‌تر است.

#### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1379/11/27

این تبلیغات فرنگی و این تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست؛ آنچه که جدید بود - که ما در این چند سال بر روی آن تکیه کردیم - روشهای نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریعتر و همه‌گیرتر و همه‌جایی‌تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبنای اسلامی و مبنای شیعی، که فکر می‌کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند - که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده‌اند - و هم‌همه کارهایی را که می‌توانستند، انجام دادند؛ برای این‌که جلو این سخن‌نو را - یعنی این‌که باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسانهای پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد - بگیرند. این سخن‌نو چیزی است که هر صاحب قدرتی را در دنیا تکان می‌دهد و هر دستگاهی را که از قدرت، انتفاع مادی می‌برد، دچار وحشت می‌کند. لذا همه جای دنیا با این فکر مخالفند.

#### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1379/11/27

امروز دشمن از همه‌ی روشها استفاده می‌کند. من دیروز در جمع جوانها می‌گفتم که امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که تفکرات اسلامی و بخصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روشهای تخریبی و از روشهای روانشناسانه و غیره استفاده می‌کنند. همه‌ی اینها پاسخ دارد؛ پاسخهای هم مشکل نیست؛ بایستی از این وسایل استفاده کرد. باید از آنچه که در اختیار داریم، حداکثر استفاده را بکنیم. ما نه از صدا و سیما، نه از مطبوعاتمان و نه از بسیاری از منابع عظیم عمومی‌مان، چنان‌که باید و شاید، استفاده نمی‌کنیم. این ضعفهای ماست؛ این ضعفها را بایستی کم کنیم. باید روزبه‌روز نقاط ضعف را کم و نقاط قوت را زیاد کرد؛ و این ممکن است.

#### بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 1379/04/19

این طرح امریکایی یا غربی - به هر تعبیری که می‌گوییم - یک طرح نظامی نبود. در درجه‌ی اول یک طرح رسانه‌ای بود که عمدتاً به وسیله‌ی تابلو، پلاکارد، روزنامه، فیلم و غیره اجرا شد. اگر کسی محاسبه کند، می‌بیند که حدود پنجاه، شصت درصد آن مربوط به تأثیر رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی بود. عزیزان من! مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را - که من هفت، هشت سال پیش مطرح کردم - جدی بگیرید. شیخون فرهنگی، شوخی نیست. بعد از عامل رسانه‌ای و تبلیغی، در درجه‌ی دوم، عامل سیاسی و اقتصادی بود. عامل نظامی هیچ نبود.

و اما این طرح چه بود؟ گورباچف وقتی در سال 1985 - حدود سالهای 64 و 65 - سر کار آمد، یک عنصر جوان در قبال دبیرکل‌های پیر قدیمی بود. روشنفکر و خوش‌برخورد بود؛ شعاری که او مطرح کرد، شعار پروستریکا در درجه‌ی اول و گلاسنوست در درجه‌ی دوم بود. تعبیر فارسی پروستریکا، بازسازی و اصلاحات اقتصادی است؛ و گلاسنوست یعنی اصلاحات در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، آزادی بیان و امثال اینها. در یکی، دو سال اول، به وسیله‌ی رسانه‌ها، آواری از حرف و تحلیل و تفسیر و تشویق و جهت‌دهی و پیشنهاد بر سر گورباچف فرو ریخت و کار به جایی رسید که توسط مراکز امریکایی، گورباچف به عنوان مرد سال معرفی شد! این در همان دوران جنگ سرد هم بود؛ یعنی در دورانی که امریکاییها شبح هر موفقیتی را در شوروی با تیر می‌زدند! قبل از گورباچف، اگر واقعیت‌های خوبی هم در شوروی وجود داشت، به شدت آن را انکار می‌کردند و علیه آن تهاجم تبلیغاتی راه می‌انداختند. اما ناگهان نسبت به گورباچف چنین وضعی را پیش گرفتند! این آغوش باز غرب، به‌عنوان یک مشوق بزرگ، گورباچف را فریب داد! من نمی‌توانم ادعا کنم که گورباچف کسی بود که غربیها یا دستگاههای سیا او را سر کار آورده بودند - آن‌چنان‌که بعضی کسان در دنیا ادعا می‌کردند - من نشانه‌های این را واقعا نمی‌بینم و البته خبری هم از پشت پرده ندارم؛ اما آنچه که مسلم است، آغوش باز، چهره‌ی باز، تجلیل و تجلیل و تشویق و احترام غربیها، گورباچف را فریب داد. او به غربیها و امریکاییها اعتماد کرد؛ اما فریب خورد. گورباچف کتابی به نام پروستریکا - انقلاب دوم - نوشته که انسان نشانه‌های این فریب‌خوردگی را در آن مشاهده می‌کند.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت هفدهم ربیع‌الاول 1379/03/31

مدتها فاصله شده بود؛ ولی اخیراً باز شروع کردند. در چند سال اخیر، انسان یک تهاجم مطبوعاتی و فرهنگی پلید و شومی را در اکناف عالم نسبت به شخصیت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشاهده می‌کند. این کار می‌تواند حساب شده باشد؛ چون به این نقطه توجه شده است که مسلمانان می‌توانند برگرد محور وجود مقدس نبی اکرم و اعتقاد و محبت و عشق به او جمع شوند. لذا آن مرکز را مورد مناقشه قرار می‌دهند.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران 1379/02/23

پس یک خطر، عبارت شد از این‌که دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی یک دشمن از هر دو طرف نفوذ می‌کند؛ از آن طرف به عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هرگونه تحولی مخالفت می‌کند؛ حتی با راههای رفته هم مخالفت می‌کند و می‌خواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناکتر، این طرف قضیه است؛ به عنوان تغییر و تحول و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزشها و با اصل اسلام و با اصل تئین مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفند؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختن‌اند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفند؛ با نام دین هم مخالفند، ولو به زبان نیاورند! اینها به نام تحول، به نام تغییر، به نام پیشرفت، به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میداناری کنند. اینها ممکن است در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر این‌گونه آدم‌های بیگانه و غریبه در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسانهای امین باشد. اما از آن خطرناکتر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان 1378/08/12

کسانی که دلشان آن طرف است، الان هم هستند. اینها به چیزی به نام استقلال ملی، هویت ملی، شخصیت و عزت ملی باور ندارند. تربیت‌هایشان طوری است که به آنها اجازه نمی‌دهد درست بفهمند که حضور یک قدرت استکباری در یک کشور، چقدر برای یک ملت، زیانبار و سنگین است. دستورات اسلام هم برای بعضی از آنها چندان اهمیت و ارزشی ندارد. اینها همیشه یک اقلیت کوچک بودند؛ امروز هم هستند. البته فعالیت می‌کنند، تبلیغات می‌کنند، تبلیغات دشمنان اسلام را ادامه می‌دهند؛ اما دل متن مردم، بخصوص جوانان - دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر قشرهای مختلف جوان - هر جا هستند، درک می‌کنند که برای یک ملت، بزرگترین اهانت این است که تسلیم قدرت استکباری بیگانه باشد. هرکس که اهل تحلیل باشد، این معنا برایش روشن است که امروز امریکا برای ایران هیچ نقشه‌ای جز نقشه‌ی استکباری ندارد؛ یعنی بازگشت به وضعیت قبل از انقلاب! معلوم است که ملت ایران در مقابل این نقشه می‌ایستد. این، آن جهتگیری ضد استبدادی ملت ایران است. البته تلاشهایی از طرف دشمنان هست؛ تبلیغات می‌کنند، حرف می‌زنند، سفسطه می‌کنند؛ بعضی حتی سعی می‌کنند روز سیزده آبان را - که روز مقاومت در مقابل استکبار است - به روز نرمش در مقابل امریکا تبدیل کنند! اگر نگوییم ساده لوحی است، ناچاریم بگوییم خیانت است؛ منتها چون انسان نمی‌خواهد بگوید خیانت، لابد این کارها از روی ساده‌لوحی و غفلت است.

شما جوانان باید خیلی هوشیار و بیدار باشید؛ باید اهداف دشمن را بشناسید. امروز قدرت استکباری آمریکا هدفش تسلط بر دنیاست و این چیزی نیست که پنهان و پوشیده باشد. حتی دولتهای اروپایی از تهاجم فرهنگی و از دخالت و از نفوذ مداخله جویانه پول آمریکا گله دارند. مسأله، مسأله‌ی تصرف و دست‌اندازی است. البته کشورهای هستند که نمی‌توانند مقاومت کنند و بایستند؛ اما ملت ایران ایستاده است. آن طرف مقابل هم تهدید می‌کند، تطمیع می‌کند، چرب‌زبانی می‌کند، تبلیغات می‌کند؛ از همه‌ی اینها هم یک هدف را دنبال می‌کند، تا این‌که راهی بگشاید و مجدداً وارد کشور ایران شود و دوباره بساطش را پهن کند و بتواند آن وضع شرم‌آور قبل از انقلاب را برای ملت ایران تکرار نماید؛ اما بدون تردید ملت ایران در مقابل این طمعهای استکباری، با قدرت تمام خواهد ایستاد.

**پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی** 1378/03/25

بلای دیگری که سلامت جوامع اسلامی، بخصوص جوانان را تهدید می‌کند تهاجم فرهنگی غرب است. امواج صوتی، تصویری حامل ابتذال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند. با ترویج ارزشهای کاذب، غرب‌گرایی را که موجب ذلت و اسارت مسلمانان است تبلیغ می‌نمایند. این اجلاس علاوه بر مقابله با این تهاجم خانمان برانداز، باید در جستجوی راههای مناسب ترویج فرهنگ غنی و ارزشهای اصیل اسلامی و تقویت مبانی اعتقادی ملت‌های اسلامی باشد. به علاوه رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمان بویژه جوامع صنعتی تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست‌خورده مادی جزء وظایف اجلاس‌های بین‌المللی اسلامی می‌تواند باشد. مارکسیسم جزء موزه تاریخ سیاسی جهان شده و سرمایه‌داری از پاسخ دادن به نیازهای معنوی و رو به رشد ملل غربی عاجز است و گرایش به معنویت در بین آنها روزافزون است و هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد.

**انتصاب مجدد آقای دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما** 1378/03/05

صدا و سیما نه وسیله‌ی صرفاً برای سرگرمی یا خبررسانی - که مدرسه‌ی عمومی برای همه‌ی قشرها در سراسر کشور است و برنامه‌هایی که از آن پخش می‌شود چه مثبت و چه منفی، آثاری عمیق در روحیه و فکر و رفتار و بینش مخاطبان خود بر جای می‌گذارد. وظیفه‌ی گردانندگان این رسانه‌ی سراسری از این رو بسیار خطیر و سنگین است. اندکی غفلت از گردش امور و بی‌توجهی به تصمیم‌گیرها و برنامه‌ریزها در آن، گاه آثار بی‌جبرانی بر جای می‌گذارد. پخش برنامه‌های هنری و فیلمها و گزارش‌هایی که جوانان و کودکان را به رفتار سالم و اندیشه‌ی درست رهنمون می‌شود و دینداری و تعهد و انضباط و محبت و تعاون و حضور در صحنه‌های انقلابی و سیاسی را به آنان می‌آموزد، و عشق به فرهنگ و میهن و مردم خویش را در آنان پدید می‌آورد، کاری درخشان و حسنه‌ی ماندگار است و کشور را در برابر امواج تهاجم فکری و فرهنگی و تبلیغاتی بیمه می‌کند.

**ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجساله‌ی سوم** 1378/02/30

اعتلاء و عمق‌بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم فکری و عملی ارزشهای انقلاب اسلامی، و مقابله‌ی با تهاجم فرهنگی بیگانه.

**بیانات در دیدار جمعی از روحانیون** 1378/01/23

مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید؛ آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید - انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود - آنها را به رحمت الهی مزده دهید؛ مؤمنین و صالحین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می‌شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، دلها روشن خواهد شد؛ آگاهی به وجود خواهد آمد؛ حرکت به وجود خواهد آمد؛ ایمان عمیق خواهد شد. مؤثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شبیخون نامردانه‌ی دشمن همین است؛ از این به شدت نگرانم. می‌خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوشفکر، در محیطهای مختلف - در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه - کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه‌ی مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی‌سبیل‌الله شماس است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «لم یکن منافسة فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام».

**پیام به کنگره‌ی عظیم حج** 1377/12/28

تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسؤولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوه بزرگ و جدی می‌شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می‌نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامی‌خوانیم، همانا کوشش همه جانبه‌ی دشمنان ما با استفاده از همه‌ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

**بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)** 1377/11/13

این‌که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه؛ من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کششی داشته باشد. بهتر است بگوییم یکی از راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.

**بیانات در دانشگاه تربیت مدرس** 1377/06/12

بنده یک وقت، شش، هفت سال قبل از این، بحث «تهاجم فرهنگی» را مطرح کردم که بحث‌برانگیز شد و بعضیها درباره‌اش حرف زدند؛ شاید بعضی از شما یادتان باشد. همان وقت در تلویزیون جمهوری اسلامی میز گردی دربارن‌باره تشکیل دادند که سه، چهار نفر آنجا بودند. یک نفر با آن نظری که بنده ابراز کرده بودم، موافق بود و حمایت می‌کرد؛ چند نفر دیگر هم به کلی آن را رد می‌کردند که «نه آقا! اینها خیالات است، اینها باطل است!» بنابراین می‌بینید که کسی متعرض کسی نمی‌شود.

**بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران** 1377/02/22

با توجه به تهاجم فرهنگی در دانشگاهها و استنباد و انحصار بعضی از اعضای هیأت علمی و طرد و فشار به اساتید مسلمان، نظام برای حمایت از اساتید مسلمان و عدم اخراج آنان، چه تمهیدی را پیش‌بینی می‌کند؟

البته من این مطالبی را که شما برادر یا خواهر عزیزم نوشته‌اید و من خواندم، تصدیق نمی‌کنم. خواندن من، دلیل تصدیق نیست - نقل قول شماس است - چون من خبر ندارم چنین چیزی وجود داشته باشد. البته اگر واقعاً چنین باشد که در یک محیط دانشگاهی، فضا بر استاد مسلمان تنگ باشد، این چیز بدی است؛ این چیز خوبی نیست؛ ولی من بعید می‌دانم که این‌گونه باشد. امیدواریم این‌گونه نباشد.

**بیانات در دیدار جمعی از جوانان** 1377/02/07

چرا در ورزش، سیاست‌های کلانی مشاهده نمی‌شود و از ورزش به عنوان یک ابزار قوی در برابر تهاجم فرهنگی استفاده نمی‌گردد؟

مطالبی که شما در مورد کمیته‌های کار در امر ورزش می‌گویید، کاملاً درست است. روی ورزش کار نشده است. دو کمیته بزرگ در پرداختن به ورزش وجود دارد:

اول، برنامه‌ریزی کلان و تصمیم‌گیری اساسی در مورد گزینش ورزشی که باید برای آن سرمایه‌گذاری کرد. بالاخره جامعه‌ی ایرانی اقتضایی دارد، استعدادی دارد. کدام ورزشها باید مورد توجه قرار گیرد؟ و با چه روحیه و پیگیری‌ای؟ در همین خصوص، من یکی، دو سال پیش، با ورزشکاران و مسؤولان ورزش کشور مفصل صحبت کردم. من عقیده‌ام بر این است که اگر ما در این بخش سرمایه‌گذاری کنیم و درست بیندیشیم و تدبیر نماییم، بلاشک در میدانهای ورزشی دنیا همان اتفافی خواهد افتاد که در جنگ به وسیله‌ی بسیجیها و سازمانهای نظامی ما - که از همه‌ی تجهیزات مدرن دنیا تقریباً منقطع بودند - اتفاق افتاد. دیدید که در جنگ چه کردند و چه افتخاری آفریدند! همین

الان در ورزش والیبال جانبازان و معلولان، همین اتفاق افتاده است و این برادران مرتب افتخار می‌آفرینند. یا مثلاً در کشتی، خود شما و برادران و بعضی از برادران دیگر، واقعاً افتخارات بزرگی را به کشور دادید. ما در همه‌ی میادین ورزشی می‌توانیم این‌گونه باشیم. هیچ دلیلی ندارد که ما در فوتبال، یا در والیبال، یا در اسب سواری، یا در بعضی از ورزشهای سنتی خودمان - مثل چوگان - یا در ورزشهای انفرادی رزمی، یا در شنا، نتوانیم به مصاف ورزشکاران برجسته‌ی دنیا برویم. علت این‌که این وضعیت نابسامان فعلی وجود دارد، آن است که بر روی تربیت و پیشرفت و استفاده از تکنیک، برنامه‌ریزی نشده است. این یک اشکال است

برخلاف تصور خلیها، دنیا از این بی‌بندوباری و ولنگاری و هرزه‌گری خوشش نمی‌آید؛ خسته شده است. این حالت عفت و نجابت و سلامت و حیا و این چیزی که طبیعی ایرانیها هم هست، اسلام هم همین را توصیه کرده است. این را ما هم باید در محیط ورزش و در محیطهای دیگر حاکم کنیم. این، فضای معنوی - فرهنگی ورزش خواهد شد؛ همان چیزی خواهد شد که شما می‌گویید برای رفتن به مصاف تهاجم فرهنگی، بایستی متمسک به فرهنگ خودی شویم و کاملاً درست است.

به نظرم این را شاید در یک سخنرانی هم گفته باشم. همین اخیراً - قبل از عید - در یکی از مجلات امریکایی، سرمقاله‌ای به وسیله‌ی یک نویسنده‌ی معروف امریکایی نوشته شده بود که خلاصه‌اش این بود که برای مقابله با کشورهای مثل ایران - که او البته تعبیر زشتی می‌کند؛ مثلاً باغی - ما نمی‌توانیم از راههای نظامی و اقتصادی عمل کنیم؛ اینها راههای تجربه شده و شکست خورده است؛ از راههای فرهنگی باید وارد شویم. تصریح هم می‌کند. می‌گوید چگونه باید وارد شویم؟ در وسط همان صفحه، عکس کاملاً عریان یک زن را کشیده و گفته از این طریق! گفته اینها را بایستی ترویج کنیم، تا بتوانیم بر آنها فائق آییم. راست هم می‌گوید؛ راه این است! متأسفانه عده‌ای نمی‌فهمند در کشور چه کار می‌کنند! البته به حول و قوه‌ی الهی نمی‌گذاریم و نخواهند توانست. ما اجازه نمی‌دهیم این خیانت را به این کشور و این انقلاب انجام دهند و به پایان ببرند. اما این هوسها در سرشان هست؛ می‌خواهند مردم را به آن روز بدبختی و سیه‌روزی این کشور برگردانند.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1376/10/12

استکبار بر روی تبلیغات، خیلی حساب می‌کند و البته این غلط هم نیست! به یک معنا دستگاه استکبار، اشتباه هم نمی‌کند که بر روی تبلیغات حساب می‌کند. هم در زمینه‌های سیاسی، که ما وقتی در زمینه‌ی سیاسی بحث می‌کنیم، جبهه‌ی مقابل را تعبیر به «استکبار» می‌کنیم - که این نامگذاری دلالی دارد - و هم وقتی در جبهه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی بحث می‌کنیم، جبهه‌ی مقابل را «فرهنگ غربی» یا «فرهنگ تهاجم» می‌گوییم - که این نامگذاری هم باز دلائل خودش را دارد - فعلاً بحث من بر سر مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی است.

#### بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی 1376/09/18

برادران! بیایید ما برای آیندگان، میراثی از این افتخارآمیزتر به ارث بگذاریم. در بررسی عوامل بیرونی وضع کنونی، من تهاجم جبهه‌ی استکبار را، از همه مؤثرتر می‌یابم. در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملتها و دولتها و کشورها - را با سیطره‌های قلدرانه و تحقیر آمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست اندازی می‌کند؛ به دولتها زور می‌گوید و به ملتها ستم می‌ورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان، اهانت روا می‌دارد. مثالهای بارز آن را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیراً تهاجم همه جانبه‌ی سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آنها، در برابر چشم ملتها ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشاندند است. قدرتهای غربی در این تهاجم مؤثر، از پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده‌اند. ما دشمن را ملامت نمی‌کنیم. کسانی سزاوار ملامتند که با کوفت بینی و راحت طلبی و خود خواهی، زمینه‌ی پیروزی دشمن و زوال خویش را فراهم ساختند. غرب در تهاجم همه جانبه‌ی خود، ایمان و خصال اسلامی ما را نیز هدف قرار داد و در سایه‌ی متاع دانش خود که همه بدان احساس نیاز می‌کردند، فرهنگ اباحیگری و بی‌مبالایی در دین و اخلاق را - که خود دچار آن است - مصرانه به جوامع ما صادر کرد. بی‌شک این لجنزار اخلاقی، روزی که چندان دور نیست، تمدن کنونی غرب را در خود فرو خواهد برد و محو خواهد کرد. دنیاى اسلام، امروز بر اثر آن تهاجم خصمانه، به اضافه‌ی عوامل درونی نسلهای گذشته، در وضعی مصیبت بار است. فقر و جهل و عقب ماندگی علمی و ضعف اخلاقی و از همه بدتر تسلط فرهنگی و بعضاً سیاسی دشمنانش بر آن، از یک سو و گرفتاریهای بزرگی از قبیل مسأله‌ی فلسطین و مسائل افغانستان، لبنان، عراق، کشمیر، بوسنی و هرزگوین، قفقاز و غیر آن از سوی دیگر، فهرست بلندی از مسؤولیتهای الهی و انسانی را در برابر حکومتها و شخصیتهای سیاسی و رهبران جهان اسلام قرار داده است.

#### بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1376/02/17

در زمینه‌ی مسائل سیاست خارجی، در زمینه‌ی مسائل انتخابات ریاست جمهوری، بحمدالله ملت ایران مواضع خوبی نشان داده است و نشان خواهد داد. در همه‌ی این قضایای سیاسی یا فرهنگی، دشمن می‌کوشد برای خود جای پا باز کند و وارد معنای ذهنی فرهنگی ملت ایران شود. ملت ایران هم محکم ایستاده است و باید بایستد. حتی دیده شده است که دشمنان نسبت به کاندیداهای ریاست جمهوری اظهار نظر می‌کنند، حرف می‌زنند، تحلیل می‌کنند. می‌گویند این فرد به غرب نزدیکتر است، این فرد از اسلام بیشتر دفاع می‌کند، آن شخص کمتر دفاع می‌کند! یعنی دشمنان می‌خواهند در همه‌ی امور دخالت کنند. ملت ایران در همه‌ی این میدانها، بر اصول اسلامی پای خواهد فشرد. این را همه‌ی دنیا باید بدانند. از جمله‌ی این اصول، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه‌ی استکباری دولتهایی است که می‌خواهند در مسائل داخلی کشور ما جای پای باز کنند و دخالت نمایند؛ ولی ملت ما با دقت نگاه خواهد کرد و باید دقت کند. اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کمترین نشانه‌ی نرمشی در مقابل امریکا، در مقابل دخالتهای دولتهای غربی، در مقابل تجاوزهای فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه‌ی دنیا باید بدانند که ملت ما به چنین کسی قطعاً رأی نخواهد داد. مردم به کسی رأی می‌دهند که بدانند در مقابل امریکا و افزون‌طلبیهای دولتهای متجاوز و پرتوقع و خودکامه و کسانی که می‌خواهند اراده‌ی خود را بر ملت ایران تحمیل کنند، خواهد ایستاد و نیز در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه ایستادگی خواهد کرد. مردم به کسی که بیشتر این مواضع را از او ملاحظه کنند، بیشتر گرایش پیدا می‌کنند. البته ما متن مردم را می‌گوییم. ممکن است در گوشه‌ای، چهار نفر آدم هم باشند که دارای سلاقی مخصوصی باشند و عکس متن مردم فکر کنند. ما به آنها کاری نداریم. متن ملت ایران، این است. مواضع ملت ایران، همان مواضعی است که به خاطر آن انقلاب کرده، هجده سال مقاومت کرده و هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کرده است. این را باید همه‌ی مردم دنیا بدانند و خواهند دانست. من از تفضلات الهی و توجهات خاص حضرت ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فدا و ادعیه‌ی زاکیه‌ی روح مطهر امام بزرگوار اطمینان دارم که پروردگار کمک خواهد کرد و در این تجربه هم مردم ان‌شاءالله آنچه را که به صلاح دین و دنیاى آنهاست، همان را پیش خواهند برد و ان‌شاءالله ملت ایران به لطف پروردگار، شاهد دوران دیگری از پیشرفت و ترقی خواهد بود.

#### بیانات در دیدار مردم قم 1375/10/19

ما عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی داریم؛ عبادات ناب و خالص داریم که مربوط به نیمه‌شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرع است. هر کدام از اینها یک درجه است. هر کدام از اینها، شما را مثل پولاد آبدیده محکم می‌کند؛ این جوانان را مستحکم می‌کند؛ آنها را خلل‌ناپذیر و در مقابل نفوذ شیطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگی، آسیب‌ناپذیر می‌کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از پاسداران 1375/09/24

در محاصره‌ی اقتصادی و در کارهای گوناگون و تهدیدهای مختلف هم این گونه است. البته معارضه‌ی سیاسی و فرهنگی دولتها، بخش کوچک معارضه با جمهوری اسلامی است. بخش مهمتر، معارضه‌ی فرهنگی غرب با نظام جمهوری اسلامی است که یک معارضه‌ی عمیق و بلند مدت است. ایستادگی در مقابل اینها روح حسینی می‌خواهد. آن کسانی که امروز در مقابل تهاجم و توطئه آفرینیهای دشمنان ما در جبهه‌ی استکبار، در کار جهاد و سیاسی ایستادگی می‌کنند، کار حسین بن علی علیه السلام را

در بخش دیگر و گسترده‌تر مسائل فرهنگی، یعنی فرهنگ عمومی، وظائف مسؤولان کشور سنگین‌تر و حساستر است. امروز حتی دیرباورترین اشخاص نیز خط و نشان دشمنان سوگندخورده انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را در صحنه‌ی پر ماجرای تهاجم فرهنگی، به وضوح مشاهده می‌کنند.

در این تهاجم خطرناک، نه فقط ارزش‌های اسلامی، بلکه فرهنگ اصیل ملی مردم، و بیشتر باورهای راهگشا و مبارک آنان، آماج تیرهای زهرآگین دشمنان قرار گرفته است و صدها رسانه‌ی گفتاری و تصویری و نوشتاری و انبوهی از نویسندگان و پژوهشگران و گویندگان و هنرمندان و پشت سر آنان، سیاست‌بازان و سرمایه‌داران و مزدورانشان از چهار گوشه‌ی جبهه‌ی استکبار، ایران اسلامی و ملت سرافراز آن و به ویژه نسل جوان نام‌آور و شجاع آن را هدف گرفته‌اند.

همه‌ی این حقایق مهم و هشدار دهنده، مسؤولان فرهنگی کشور را به تدبیری برتر و اهتمامی بیشتر و تلاشی گسترده‌تر فرا می‌خواند و به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی را که در جهاد ملی، با بی‌سوادی و عقب‌ماندگی علمی و تبعیت فرهنگی، در حکم ستاد مرکزی و اصلی است، به تحرک و نوآوری و همت گماری بر می‌نگیزد.

#### بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان 1375/02/26

ملاحظه کنید: یک وقت فرهنگی، تمدنی، عقیده‌ای و یا مکتبی بر بشر عرضه می‌شود که ممکن است جهات خیلی خوبی هم در آن باشد. مثلاً - فرض بفرمایید - مجموعه‌ی تفکرات مکتب عرضه شده، موجب گردد که نیروهای درونی افراد بشر به کار بیفتند؛ استعدادهایشان شکوفا شود؛ کار کنند، ابتکار کنند، سازندگی کنند، تولید ثروت کنند و دنیا را نوسازی کنند. این خصوصیات هم ممکن است در مکتب عرضه شده باشد. اما همین مکتب، عیبی هم در درون خود داشته باشد، که موجب شود همین مردمی که این بهره‌ها را از قبل این مکتب می‌برند، زیانهای سختی تحمل کنند که گاهی آن زیانها، از این منافع هم بیشتر می‌گردد. مثال واضحش، تفکر غرب و فرهنگ سرمایه‌داری و آزادی فردی و لیبرالی رایج در غرب است. شما که مبلغ دینی و روحانی هستید، لازم است در این نکات، خیلی مذاقه کنید. ما که می‌گوییم «فرهنگ غرب»، نمی‌خواهیم بگوییم که این فرهنگ، همه‌اش از بای بسم‌الله تا تالی تمت، بدی و زشتی و خرابی است. شما دیده‌اید که بنده مکرر راجع به غرب و تهاجم فرهنگ غربی حرف می‌زنم. معنای صحبت‌های بنده، صرفاً این نیست که فرهنگ غرب از بای بسم‌الله تا تالی تمت، همه‌اش خراب و خرابی و بدی است. اگر این گونه بود، شهروندان ممالک غربی، از اول آن را نمی‌پذیرفتند و اصلاً تحمل نمی‌کردند. بنابراین، فرهنگ مذکور، نقاط مثبتی دارد که آن نقاط مثبت، چشم مردم را گرفت و جوامع را به خود جذب کرد.

#### بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور 1375/02/13

از ما سؤال می‌شود - و از همه کس هم قابل سؤال است - که «شما از وضع کنونی مطبوعات ایران راضی هستید یا نه؟» من اگر بخواهم در این جلسه‌ی خصوصی و خودمانی به شما مطلبی عرض کنم، جوایم این است که «نه؛ راضی نیستم.» چرا؟ چون کیفیت مطبوعات کشور، متناسب با تاریخ مطبوعات در این کشور نیست. این، نکته‌ی مهمی است. ما درباره‌ی هر پدیده‌ای که سخن می‌گوییم و قضاوت می‌کنیم، باید به تاریخ آن پدیده نگاه کنیم. یک وقت پدیده‌ای است که اگرچه در دنیا سوابق زیادی دارد، اما تازه وارد این سرزمین شده است. خوب؛ نمی‌شود زیاد انتظار داشت. یک وقت پدیده‌ای است که ضعیف وارد شده یا به وسیله‌ی آدمهای نالایق وارد شده است. نمی‌شود خیلی توقع داشت. اما یک وقت پدیده‌ای است که سابقه‌ی زیادی دارد و خوب هم وارد شده است، که مطبوعات از این قبیل است. البته مطبوعات، وارداتی است؛ یعنی جزو بخش‌های مثبت فرهنگ غرب است که ما از آنها گرفتیم. یک وقت من درباره‌ی «تعاطی فرهنگی» - نقطه‌ی مقابل «تهاجم فرهنگی» - بحث مفصلی کردم که از مصادیقش، یکی همین مطبوعات است. خوب؛ ما مطبوعات را از غرب گرفتیم. غریبه‌ها سابقه‌ی زیادی در حرفه‌ی روزنامه‌نگاری داشتند. از اواخر دوران ناصر الدین شاه هم مطبوعات وارد ایران شد و فعالیتش را آغاز کرد. اوج کار مطبوعات، در دوران مشروطه بود؛ یعنی از عهد مظفرالدین شاه بتدریج افزایش پیدا کرد.

#### پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1375/02/04

ضعف کنونی دولت‌های مسلمان، و تفرقه‌ی مصیبت بار کشورهای اسلامی، واقعیاتی نیستند که بشود کتمان یا انکار کرد. امروز جهان عرب به دست خود، خود را در شرائطی قرار داده است که متأسفانه قادر نیست حتی برای یک روز پای در میدان جنگ با دشمن غاصب سرزمین‌هایش بگذارد و از ملت لبنان که قربانی جنایت دولت غاصب صهیونیست است دفاع کند. امروز در حالی که ابزارهای جنگ هوایی و دفاع هوایی با قیمتهای افسانه‌ی بی‌اندازه‌ی آن در انبارهای این کشورها انباشته شده، هواپیماهای صهیونیست‌های خونخوار آزادانه خانه و کاشانه‌ی مردم عرب را بر سر آنان ویران می‌کنند و هیچیک از این دولت‌ها نمی‌توانند راه آن را ببندند. این حقائق تلخ باضافه‌ی نفوذ سیاسی قدرتهای استکباری در بسیاری از این کشورها؛ و هجوم بدون مانعی که برای تسخیر فرهنگی کامل آن کشورها می‌شود و مصائب فراوان و هشدار دهنده‌ی دیگر، برای هر وجدان پاک و عقل سالمی کافی است تا تشخیص دهد که کشورها و ملت‌های اسلامی و مجموعه‌ی نمونه برداشته‌ی آن که اینک در گرد کعبه‌ی شریف و در موافق متبرک سرزمین وحی حضور دارند، بیش از همیشه به معنی و روح حج و به ذخیره‌های انباشته‌ی آن نیازمندند و حتم است که از آن بهره بردارند. این است سخن ما و این است داعیه‌ی ما درباره‌ی حج و درباره‌ی دیگر شعائر نجاتبخش اسلامی.

#### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه 1374/06/29

مادامی که شما ایمان و تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید؛ تمام قدرت خدا، تمام نوامیس طبیعت و تمام امکانات یک گروه برگزیده در اختیار شماست. در میدان سازندگی، در میدان توطئه‌ی تبلیغاتی، در میدان مبارزه و تهاجم فرهنگی، در میدان خلقیات مردم، در میدان باز یک حرکت نظامی - که البته بسیار مستبعد است - و در هر میدان دیگر اگر دشمن با همه‌ی حجم و قدرت و تنوع و ابزار تبلیغاتی و با همان ساز و برگ نظامی وارد شود - که البته امروز دشمن دیگر آن ساز و برگ گذشته را ندارد؛ آن روز بلوک شرق با آن طول و عرض وجود داشت که دیگر امروز نیست؛ به علاوه تغییرات فراوان سیاسی و جغرافیایی در سطح عالم به وقوع پیوسته است که همه به سود اسلام و مسلمین است - در مقابل ملت و همین جوانان مؤمن و خانواده‌های جوشان از عاطفه و ایمان، هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.

#### بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها 1374/04/19

البته این را هم بارها عرض کرده‌ایم که فرهنگها تبادل دارند. وقتی که بحث تهاجم فرهنگی را مطرح و بر آن پافشاری می‌کنیم، به آن معنا نیست که یک فرهنگ نباید چیزی را از خارج خود، به خود بیفزاید. متأسفانه در ایران اواخر قاجار که به فرهنگ غرب توجه شد و به ویژه در دوران منجوس پهلوی که این توجه شدت گرفت، آنچه که واقعا تبادل، تلقی، تعاطی و تکامل فرهنگی بود، در ارتباط با غرب انجام نگرفت؛ بلکه نوعی تحمیل فرهنگی رخ داد.

گاهی انسانی هوشمند و عاقل، به اختیار خود، چیزی را گزینش می‌کند و می‌پذیرد و گاهی به‌عکس، به یک انسان مست و غافل و بی‌هوش، به‌زور، چیزی را تزریق و تحمیل می‌کنند. مسلماً این دو، یکسان نیستند. در کشور ما، تحمیل فرهنگی کردند؛ یعنی آمدند و بدون این‌که گزینش صحیحی در کار باشد، چیزی را در کالبد فرهنگ و ذهنیات این مردم تزریق کردند.

#### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1374/01/03

عزت خوب است، اما تکبر بد است. رفتار و تعالیم ائمه علیهم‌السلام این‌طور است. خوب؛ در باب معارف و فرهنگ اسلامی، قضیه این گونه است. در همه‌ی فرهنگها و تمدنها هم، چیزهایی «باید» و چیزهایی «نباید» است. هر ملتی بر حسب نیاز خود، چیزی را انتخاب می‌کند. کسی حق ندارد به یک ملت دیگر بگوید: آقا! شما چرا با فلان چیز موافقید یا با فلان چیز مخالفید؟ بحث علمی جداست؛ بحث اعتقادی جداست. اما آن‌جا که ملتی با یک ملت دیگر حرف می‌زند، این غلط است که بگویند: آقا! شما چرا - فرضاً - در حالت غذا خوردن، مثل ما عمل نمی‌کنید؟ خوب؛ هر ملتی، عادت و فرهنگی خاص و باید و نبایدهای دارد که معمولاً برطبق نیازها شکل می‌گیرد. امروز در دنیا، متأسفانه

این عادت زشت وجود دارد که سردمداران و قدرتمندان نظامی و مالی دنیا - یعنی همین قدرتهای استکباری عالم - همه ملت‌های دنیا را مورد اهانت قرار می‌دهند که «شما چرا مثل ما زندگی و رفتار نمی‌کنید؟!» مسأله‌ی تهاجم فرهنگی که بنده بارها بر آن تکیه کرده‌ام، یک بخش عمده‌اش مربوط به همین قضیه است.

فرهنگ غریبها، درست یا نادرست، مال خودشان است. قانع نیستند به این‌که ملت‌های دیگر به آنها بگویند «فرهنگ شما مال خودتان باشد. ما به شما اعتراضی نمی‌کنیم که این‌گونه زندگی می‌کنید، لباس می‌پوشید، رفتار می‌کنید و چنین خلقیاتی دارید.» می‌گویند: «ملت‌های دیگر باید مثل ما رفتار کنند و لباس بپوشند.» اگر فردی در مجامع جهانی و رسمی شرکت کند، فرضا فلاں چیز را به گردنش بسته باشد، از نظر غریبها و سردمداران آنها و فرهنگ غربی، کار او مطرود است. «آقا؛ چرا شما این را نمی‌بینید؟» خوب؛ یک ملت دیگر، متقابلاً، از آنها سؤال می‌کند: «شما چرا می‌بینید؟» همان‌طور که شما آن‌گونه پسندیدید، آن‌گونه خواستید، آن‌گونه لباس می‌پوشید، آن‌گونه مد دارید؛ هر ملتی هم برای خودش - فارغ از درستی و نادرستی - فرهنگ، آداب، عادات، عقاید و رسوم دارد. اگر بخواهیم حساب درست و نادرست را پیش بکشیم، بدیهی است که فرهنگ اسلامی و فرهنگی که از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد - یعنی فرهنگ ملت‌های اسلامی - درست و متقن است. به‌رحال، با قطع نظر از این‌که کدام درست و کدام نادرست است، هر ملتی باید روی پای خود بایستد و فرهنگ، عقاید، آداب و عاداتش را خودش انتخاب کند. هیچ قدرتی حق ندارد به ملتها بگوید «شما چرا این‌گونه رفتار می‌کنید، آن‌گونه رفتار نمی‌کنید؟» این غلط است.

**بیانات در دیدار جمعی از پاسداران 1373/10/15**

اگر می‌بینید که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی یا قتل عام فرهنگی در این کشور به شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ اگر می‌بینید که تبلیغات دشمن در همه جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و اگر می‌بینید که دائم تلاش می‌کنند ذهن ملت - بخصوص جوانان و مؤمنین - را در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند، به همین سبب است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الا المتقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله؛ انسانها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیبایی‌های دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آنها به رژه در آورد و دلهایشان را برد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بریزند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الا المتقین». تقوا در قیامت هم اثر می‌کند، در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند، در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند. و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید.

**پیام به کنگره عظیم حج 1373/02/25**

امروز دین مسلمانان به وسیله‌ی تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری در میان جوامع اسلامی که غالباً با ابتکار قدرتهای ضد اسلامی و به کمک تبلیغات و رسانه‌های آنان و غیر آن انجام می‌گیرد در خطر است، و دنیای آنان به وسیله‌ی سلطه‌ی روز افزون استکبار بر امور کشورهای اسلامی و فشار و دشمنی مضاعف بر هر دولت یا گروهی که بخواهد افکار را به سوی حاکمیت واقعی اسلام و استقلال و اقتدار ملت‌های مسلمان متوجه کند. و البته جلودار این تهاجم همه‌جانبه به اسلام، شیطان بزرگ یعنی دولت ایالات متحده آمریکا است. هر چشم دقیقی می‌تواند دست یا اراده‌ی آن دولت ضد اسلام را در پشت سر مصائبی که بر اسلام و مسلمین وارد می‌شود.

**انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی به سمت رئیس سازمان صداوسیما 1372/11/24**

اکنون که به فضل الهی ملت ایران پانزدهمین سالگرد فرخنده‌ی انقلاب را با سربلندی و احساس پیروزی به سر برده و دولت و ملت هماهنگ و استوار و راهی طولانی پر ماجرا و مشحون از توفیقا و نیز دشواریها را پشت سر نهاده‌اند و دولت خدمتگزار با مجاهدتی عظیم و ابتکار آمیز، موانع عمده‌ی پیشرفت اقتصادی و رشد و توسعه‌ی ملی را از میان بر داشته و راه به سوی سازندگی و رفاه عمومی را با شتابی متناسب با شرایط انقلاب طی می‌کند، شرایط عام کشور نیازمند آن است که دستگاه تبلیغاتی صدا و سیما نیز سیاستی نوین و متناسب با پیشرفت‌های همه‌جانبه‌ی کشور در پیش گیرد و فضای فرهنگی جامعه را از یکسو همگام با سیر شتابنده‌ی سازندگی و رشد و توسعه عمومی و از سوی دیگر همخوان با اصول انقلاب و مبانی اساسی اسلام تجهیز کند و نیز به اقتضای مقابله با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی استکبار و ابداع‌اش میدان پیکار رسانه‌ها را هم در جبهه‌ی تبیین و تعمیق و تکریم اصول شور انگیز انقلاب اسلامی و هم در جبهه‌ی توزیع تلاش فداکارانه‌ی مسئولان کشور و قوای سه‌گانه به خصوص قوه‌ی مجریه‌ی سختکوش و خستگی نشناس با روشهای نوین و پیشرفته و خردمندانه با جهادی بزرگ و هوشیارانه بیاراید.

**انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی به سمت رئیس سازمان صداوسیما 1372/11/24**

در همه‌ی برنامه‌ها جهت کلی مقابله با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی و خیری استکبار باشد. این اصل مهم نه تنها در خبر که در گزارشها برنامه‌های علمی و اجتماعی و سیاسی و به خصوص در برنامه‌های هنری و سرگرم کننده مانند نمایش و داستانهای یکه یا دنباله‌دار باید رعایت شود. این نکته به درستی برای همه‌ی کارکنان روشن گردد که فرهنگ مهاجم بیگانه از راه نمایشها و برنامه‌های سرگرم کننده بیش از گفتگوی رویاروی بر ذهن و عمل مردم اثر می‌گذارد و از این اثر گذاری ناخواسته هوشیارانه خردمندانه جلوگیری شود.

**بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان 1372/08/30**

به کشورهای دیگر نگاه کنید: مردم سایر کشورهای اسلامی هم مسلمانند. نمی‌شود گفت که مردم فلان کشور، دین و ایمان درستی ندارند. حال اگر در بعضی کشورها، بر اثر بعضی عوامل، مردم دچار سستی ایمان باشند و برخی عادات غیر دینی داشته باشند، این یک حرف دیگر است. اما ایمان مردم، در غالب کشورهای اسلامی، ایمان عمیقی است و می‌شود شواهد این را پیدا کرد. در همین کشورهای آسیای مرکزی، که در آنها حدود هشتاد سال علیه دین کار کردند، باز هم می‌بینید هنوز مردم علاقه‌ی دینی دارند. در خیلی از کشورها، نماز مردم، روزه‌ی مردم یعنی چیزهایی را که فهمیده‌اند دین آنها را از آنان می‌خواهد درست انجام می‌شود. اما همان مردم، در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان، در مقابل تهاجم سیاسی دشمنان، در مقابل تهاجم اقتصادی کمپانیهای استکباری دنیا و اگر روزی پیش آید در مقابل تهاجم نظامی دشمنان، هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید. چرا؟ چرا کشورهای بزرگ و پرجمعیتی که در منطقه‌ی خاور میانه هستند و بعضی از همین کشورهای پرجمعیت که با رژیم متجاوز صهیونیست همسایه‌اند، نمی‌توانند این غده‌ی سرطانی را علاج کنند.

**بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری 1372/05/12**

در زمینه‌های فرهنگی هم عرض کنم: این دیگر مخصوص ما نیست. همه‌ی ملت‌های زنده‌ی دنیا، بر این متفقند که اگر ملتی اجازه داد فرهنگ ملی‌اش پایمال تهاجم فرهنگ‌های بیگانه شود، آن ملت از دست رفته است. ملت غالب، ملتی است که فرهنگش غالب است. غلبه‌ی فرهنگی است که می‌تواند غلبه‌ی اقتصادی و سیاسی و امنیتی و نظامی و همه چیز را هم با خود به دنبال بیاورد.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15**

همان مبارزه موجب شد که مطهری به شرف شهادت نائل شود؛ یعنی آن دشمنی که مطهری را بر زمین انداخت و خون او را جاری کرد، دشمنی بود که از ارشادها و آگاهی‌هایی که او به مردم می‌داد، صدمه می‌دید. چون شهید مطهری در مقابل التقاط ایستاد، در مقابل نفاق ایستاد، در مقابل تهاجم فرهنگ غرب و شرق ایستاد و اسلام ناب و اسلام فقهاتی را ترویج کرد، لذا کسانی که با این چیزها مخالف بودند، او را بر زمین انداختند. اگر دستشان می‌رسید، هر کسی را هم که شبیه مطهری و کوچکتر از مطهری و در راه مطهری بود، بر زمین می‌انداختند؛ اما خدای متعال به آنها این فرصت را نداد و ان‌شاءالله، هرگز هم نخواهد داد.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15**

سومی که از همه سخت‌تر است، «استقلال فرهنگی» است. این، بسیار سخت است و بسیار خون دل دارد. مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه‌ی انواع استقلالها سخت‌تر است. من یک وقت گفتم دشمنان «شیخون فرهنگی» می‌زنند. این ادعا راست است و خدا می‌داند که راست است. بعضی نمی‌فهمند؛ یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند، ملتفت است که دشمن چه کار می‌کند و می‌فهمد که شیخون است، و چه شیخونی هم هست!

**بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15**

حال اگر دشمن با امواج خبری وارد کشور ما شود؛ با رادیوهایش وارد کشور ما شود و حرفهایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملت این‌طور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هر چه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با آمریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمی‌کنند. خیلی ملتها هستند که قرآن هم می‌خوانند، نماز هم می‌خوانند، عبادت هم می‌کنند، اما با دشمن اسلام مبارزه نمی‌کنند که هیچ، با آنها دوستی هم می‌کنند! اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده‌است. این‌جاست که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب می‌شود.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15**

عده‌ای خیال کرده‌اند که وقتی ما به تهاجم فرهنگی غرب حمله می‌کنیم، فقط مسأله‌مان این‌است که یک نفر در خیابان حجابش را درست رعایت نکرده است. مردم بحمدالله حجابشان را رعایت می‌کنند؛ الا افرادی قلیل. مسأله‌ی اینها نیست. این، فرعی است. اصل قضیه آن است که داخل خانه‌هاست و از مجامع جوانان سرچشمه می‌گیرد و دشمنان آنجا کار می‌کنند. آن‌که آشکار نیست، آن‌که پنهان است، خطر آن‌جاست. جوانان ما شهوات را دور انداختند، راحتی و لذت را دور انداختند؛ رفتند در میدان مبارزه و توانستند دشمن را به زانو درآورند. حال دشمن از جوانان ما انتقامش را می‌گیرد. انتقامش چیست؟ انتقام دشمن این است که جوانان ما را به لذات و شهوات سرگرم کند. پول خرج می‌کنند، عکس مبتذل چاپ می‌کنند و مجانی بین جوانان منتشر می‌کنند. ویدئو درست می‌کنند و فیلمهای مهیج شهوات را مجانی به این و آن می‌دهند که نگاه کنند. البته، یک‌عده از این طریق، پول هم دست می‌آورند؛ اما آنهایی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای پول، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. می‌توانند آنها را در کشورهای دیگر، آزادانه پخش کنند و پول به دست آورند. این‌جا می‌خواهند نسل جوان را ضایع و نابود کنند.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15**

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقای که خودش به حساب آنچه که ما می‌بینیم خسر دنیا و الاخره است، بر می‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسر دنیا و الاخره شده‌اند!» می‌نویسند، و چاپ هم می‌کنند که «مسلمانهای عالم و از جمله ملت ایران، خسر دنیا و الاخره شدند.» چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر دنیا و الاخره بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست نشانده‌ی فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و این‌طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادی گام نهد، خسر دنیا و الاخره است؟! این جوانان ما، این خانواده‌های مؤمن ما، این زن و مرد دلباخته‌ی دین و عاشق راه خدا، خسر دنیا و الاخره‌اند؟! خودشان خسر دنیا و الاخره‌اند! کسی که این را می‌گوید، حقیقتاً خسر دنیا و الاخره است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیاشان، دنیای نکبت؛ آخرتشان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است. نسبت به مردم این حرفها را می‌زنند و پخش هم می‌کنند. برای چه پخش می‌کنند؟ برای این‌که مردم را متزلزل کنند؛ برای این‌که ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.

اینها عوامل دشمنند. این، تهاجم فرهنگی است. این، مبارزه با ملت ایران است، که دشمنان انجام می‌دهند. مخصوص ما هم نیست؛ اینها با اسلام بدند و با اسلام دشمنی می‌کنند.

حال وظیفه‌ی ما چیست؟ من می‌گویم وظیفه‌ی معلم و فرهنگی و دانش‌آموز که اینها در مرکز دایره قرار دارند و همچنین همه‌ی کسانی که با امور فرهنگی کشور سر و کار دارند، یک جهاد و مبارزه‌ی طولانی است.

**انتصاب حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی به عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی 1371/09/20**

سیاستگذاری مسائل فرهنگی در آستانه‌ی تدوین برنامه‌ی پنج ساله‌ی دوم و به خصوص هدایت حرکت سازمان یافته برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و نیز ادامه‌ی گسترده‌ی کمی و کیفی دانشگاهها و مراکز تحقیق از جمله چیزهایی است که شان و نقش این شورای عالی را حساس‌تر می‌سازد و تقویت آن با نیروهای تازه نفس را الزام می‌کند. از اینرو جناب‌عالی را که بحمدالله خود عنصری فرهنگی و معتقد و علاقه‌مند به تلاشهای اصولی در عرصه‌ی فرهنگ و دارای سوابق روشنی در این عرصه می‌باشید، به عضویت آن شورا منصوب می‌کنم. انتظار از جناب‌عالی و دیگر اعضای محترم آن است که فرهنگ انقلاب و تحول فرهنگی را عزیزترین و اصلی‌ترین مطلوب خود دانسته، همه‌ی تصمیم‌گیرهای آن شورای عالی را با این شاخص انجام دهید. توفیق همگی را از خداوند متعال خواستارم.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی 1371/05/21**

جلسه، یک جلسه فرهنگی است. مسؤولین و کارکنان بخشهای مختلف فرهنگی کشور، از مطبوعات و صدا و سیما و آموزش و پرورش و مؤسسات هنری و فرهنگی و تبلیغی جمهوری اسلامی، در این‌جا حضور دارید. من این فرصت را برای یک بحث کوتاه در زمینه مسائل فرهنگی کشور، و اولی از همه این مسائل، همین مسأله حادّ جاری نظام ما در سه، چهار سال اخیر - از بعد از جنگ تا امروز - یعنی ایجاد جبهه فرهنگی دشمن و تهاجم نوبه‌نو و سازمان یافته از سوی دشمن، مغتنم می‌شمارم.

اولاً این نکته را عرض کنیم که «تهاجم فرهنگی»، با «تبادل فرهنگی» متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است. هیچ ملتی بی‌نیاز نیست از این‌که در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه مسائل فرهنگی - آن مجموعه مسائلی که به آنها نام فرهنگ داده می‌شود - از ملتهای دیگر بیاموزد. همیشه تاریخ نیز همین بوده است. ملتها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را، خُلقیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف را و دین را از یکدیگر فراگرفته‌اند. این، مهمترین تبادلهای ملتها با هم بوده است؛ حتی مهمتر از تبادل اقتصادی و کالا. بسیار اتفاق افتاده است که این تبادل فرهنگی، به تغییر مذهب یک کشور انجامیده است! مثلاً در شرق آسیا، بیشترین عاملی که اسلام را به این کشورها - از جمله به کشور اندونزی، به کشور مالزی و حتی به قسمتهای مهمی از شبه قاره - بُرد، دعوت مبلغین نبود؛ بلکه رفت و آمد آحاد ملت ایران بود. تجار و سیاحان ایرانی راه افتادند، رفتند، آمدند و در سایه این رفت و آمدهاست که شما می‌بینید ملت بزرگی که امروز شاید بزرگترین ملت اسلامی در آسیاست - یعنی اندونزی - مسلمان شده است. این اسلام را اوّل بار، نه مبلغین دینی برای آنها بردند و نه شمشیر و جنگ! اسلام را همین رفت و آمدها برد. خود ملت ما هم، در طول زمان، خیلی چیزها از ملتهای دیگر آموخته است، و این، یک روند ضروری برای تروتازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم است. این، تبادل فرهنگی است و خوب است.

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیرکردن یک ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند؛ اما به زور؛ امّا به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی. این، اسمش تهاجم است. در تبادل فرهنگی، هدف، بارورکردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است. اما در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملتهای دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. فرض بفرمایید، دانش را از آنها تعلیم می‌گیرد. فرض کنید، ملت ایران به اروپا می‌رود و می‌بیند آنها مردمی اهل سختکوشی و خطر کردند. اگر این را از آنها یاد بگیرد، خیلی خوب است. به اقصای شرق آسیا می‌رود و می‌بیند که آنها مردمی

هستند دارای وجدان کار، علاقه‌مند به کار، مشتاق کار. اگر این را از آنها یاد بگیرد، خیلی خوب است. به فلان کشور می‌رود و می‌بیند مردم آن کشور، وقت شناس، دارای نظم و انضباط، دارای محبت، دارای حس، ادب و حسن احترامند. اگر یاد بگیرد، اینها چیزهای خوبی‌ست.

در تبادل فرهنگی، قضیه چنین است. ملت فراگیرنده، می‌گردد نقاط درست و چیزهایی را که فرهنگ او را کامل می‌کند، از دیگران تعلیم می‌گیرد. درست مثل انسانی که ضعیف است و دنبال غذای مناسبی می‌گردد. دوا و غذای مناسب را مصرف می‌کند، تا سالم شود و نقصش از بین برود. در تهاجم فرهنگی، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم می‌دهند، چیزهای خوب نیست، بلکه چیزهای بد است. فرض بفرمایید اروپاییها، وقتی تهاجم فرهنگی را در کشور ما شروع کردند، نیامدند روحیه وقت شناسی‌شان را، روحیه شجاعت و خطر کردن در مسائل را، یا تجسس و کنجکاوی علمی را، در ملت ما منتشر کنند و با تبلیغات و تحقیقات، سعی کنند ملت ایران، ملتی دارای وجدان کاری یا وجدان علمی شود. این کارها را که نمی‌کنند! مسئله لایابالی‌گری جنسی را وارد کشور ما می‌کردند. ملت ما، در طول هزاران سال، ملتی بود دارای مبالات جنسی؛ یعنی رعایت‌های مربوط به زن و مرد و این در تمام دوران اسلامی بوده است. نه این‌که کسی خطا و تخلف نمی‌کرده؛ خطا همیشه هست. در همه دورانها و در همه زمینه‌ها، افراد بشر خطا می‌کنند. خطا هست؛ اما خطا غیر از این است که چیزی بشود عرف جامعه!

ملت ما، ملتی بود که از هرزگی و عیاشیهای فراگیر و مجالس عیش و طرب و این چیزها، بری بود. این کارها مخصوص اشراف و پادشاهان و شاهزاده‌ها و ملکزاده خانمها و امثال اینها بود، که عیاشی کنند و شب تا صبح بیدار بمانند. اروپاییها، میخانه‌هایشان در طول مدت شب و روز و دوران سال و همه تاریخ همیشه روبه‌راه بود. این، تاریخ اروپاست. هرکس می‌خواهد، برود بخواند و ببیند. این را خواستند وارد کشور ما بکنند و تا آنجا که توانستند، کردند.

در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد. معلوم است که دشمن چه می‌خواهد! اگر در تبادل فرهنگی، ملتی که از فرهنگ بیگانه چیزی می‌گیرد، تشبیه به آدمی شود که در کوچه و بازار، غذا و دوا مناسب می‌خرد که مصرف کند؛ در تهاجم فرهنگی، ملتی را که تحت تهاجم قرار گرفته است، باید به بیماری که افتاده و خودش کاری نمی‌تواند بکند، تشبیه کنیم. آن وقت دشمن، آمپولی به او تزریق می‌کند و معلوم است آمپولی که دشمن تزریق کند، چیست! این، فرق دارد با آن دارو و درمانی که خود شما بروید و آن را با میل انتخاب و وارد بدنتان کنید. این، تهاجم فرهنگی است.

پس، تبادل فرهنگی به انتخاب ماست؛ اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است. تبادل فرهنگی انجام می‌دهیم تا کامل شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم. اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند. تبادل فرهنگی از چیزهای خوب است؛ تهاجم فرهنگی از چیزهای بد است. تبادل فرهنگی در هنگام فوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است. لذا دیدید که استعمارگران، در آسیا و آفریقا و امریکا لاتین، هر جا خواستند وارد شوند، قبل از آن‌که سیاستمداران و سربازان و قزاق‌هایشان وارد شوند، مسیونرهای مسیحی و هیأت‌های تیشیری مسیحی شان وارد شدند! سرخپوستان و سیاهپوستان را اول مسیحی کردند، بعد طناب استعمار به گردنشان انداختند. بعد هم از خانه و کاشانه‌شان، آواره‌شان کردند و پدرشان را در آوردند!

در همین ایران ما، به اواخر دوران قاجار نگاه کنید! ببینید چقدر کنشیش از اروپا راه افتادند و به قصد مسیحی کردن مردم به این‌جا آمدند! البته آنها، مثل دزداناشی که به کاهدان می‌زنند، نفهمیدند برای ترویج مسیحیت باید به کجا بروند. آنها موفق نشدند؛ اما قصدشان این بود. نمی‌شود گفت که سرمایه‌داران و کمپانیها و غارتگران بین المللی، معتقد به حضرت مسیحند! آنها چه می‌شناسند مسیح کیست؟! در محیطهایی که یک فرهنگ ملی مدافع - مدافع حیثیت خود - وجود دارد، کار اول این است که آن فرهنگ را از آنها بگیرند. مثل این‌که اگر یک عده سرباز بخواهند به یک قلعه مستحکم حمله کنند، کار اول این است که پای این قلعه آب می‌اندازند؛ شاید دیوارهایش بریزد. دیوارهای این قلعه را، هرطور بتوانند، سست می‌کنند. این، اولین کار است. یا این‌که قلعی را خواب می‌کنند. به قول سعدی که در آن داستان، در گلستان، می‌گوید: «اولین دشمنی که بر آنها تاخت، خواب بود!» خواب، اولین دشمنشان بود. چشم‌هایشان گرم شد و خوابشان برد. بعد از آن‌که این دشمن خودی - که خواب باشد - از درون خودشان چشم‌های آنها را بست و دست‌هایشان لمس شد، دشمن آمد دست‌های اینها را بست و هر چه خواست، برداشت و بُرد! در تهاجم فرهنگی، این‌گونه عمل می‌کنند.

این تهاجم فرهنگی، از چه وقت شروع شد؟ مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او، مقدمات آن، فراهم شده بود. کارهای فراوانی شده بود؛ روشنفکران وابسته، در داخل کشور ما کاشته شده بودند. نمی‌دانم آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال را درست خوانده‌اند یا نه؟ من همه دغدغه‌ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند مابعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال اخیر - از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگ‌های ایران و روس به این طرف - را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.

یکی از این حوادث، ایجاد جریان روشنفکری وابسته است. نمی‌شود بگوییم در ایران روشنفکر نداشتیم. همیشه و در همه عصرها و دورانها، روشنفکرانی بوده‌اند؛ مردمانی که جلوتر از زمان خود را می‌دیدند و بر همین اساس می‌اندیشیدند و حرکت می‌کردند. اما غرب مسلط به فناوری و علم، روزی که خواست در ایران، پایگاه تسلط خودش را مستحکم کند، از راه روشنفکری وارد شد. از میرزا ملکم‌خان و امثال اینها، تا تقی‌زاده‌ها، این روشنفکری دوران قاجار است که بیمار متولد شد.

روشنفکری ایران، متأسفانه بیمار و وابسته متولد شد. چند نفری هم که آدم‌های سالم و خالصی بودند، گم شدند. بقیه، وابسته بودند. بعضی وابسته به روسیه آن روز - مثل میرزا فتحعلی‌آخوندزاده - یا وابسته به اروپا و غرب - مثل میرزا ملکم‌خان و امثال اینها بودند. این کارها در داخل ایران شده بود؛ لکن بُردی نداشت. کسی که به نفع فرهنگ غربی - یعنی درحقیقت، به نفع سلطه غرب بر ایران - و به نفع استعمار به وسیله انگلیس، در آن روز بزرگترین قدم را برداشت، رضاخان بود. شما ببینید این کارها در وضع امروز چقدر رسواست، که پادشاهی بیاید و یکباره لباس ملی یک کشور را عوض کند! مثلاً شما به هند که تشریف ببرید یا در اقصی نقاط عالم که بگردید، ملتها لباسهای خودشان را دارند؛ احساس افتخار هم می‌کنند؛ احساس سرشکستگی هم نمی‌کنند. اما اینها آمدند و یکباره گفتند: این لباس قدغن است! چرا؟ چون با این لباس، نمی‌شود عالم شد! عجب! ما بزرگترین دانشمندانمان - دانشمندان ایرانی که امروز آثارشان هنوز در اروپا تدریس می‌شود - با همین فرهنگ و در همین محیط پرورش یافتند. مگر لباس چه تأثیری دارد؟ این چه حرفی است؟! چنین منطق مسخره‌ای را مطرح کردند. لباس یک ملت را عوض کردند. چادر زنان را برداشتند. گفتند: «با چادر نمی‌شود که یک زن، عالم و دانشمند شود و در فعالیت اجتماعی شرکت کند.» من سؤال می‌کنم: با برداشتن چادر، در کشور ما، چقدر زنان در فعالیت اجتماعی شرکت کردند؟ مگر فرصتی داده شد برای این‌که زنان ما، در دوران رضاخان و پسر رضاخان، در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند؟! به مردان هم فرصت داده نمی‌شد؛ به زنان هم فرصت داده نمی‌شد. آن روز که زنان ایران وارد فعالیت اجتماعی شدند و کشور را با دو دست توانای خود بلند کردند و مردان این کشور را به دنبال خودشان به میدانهای مبارزه کشاندند، با همان چادر به میدانها آمدند. چادر چه تأثیر منفی‌ای دارد؟! لباس چه تأثیری دارد در این‌که مانع شود از فعالیت یک زن یابک مرد؟! عمده این است که این مرد، دلش چگونه است؛ فکرش چگونه است؛ ایمانش چقدر است؛ روحیه‌اش چگونه است؛ چه انگیزه‌ای برای فعالیت اجتماعی یا علمی، در او گذاشته شده است؟ این مرد قلدِر نادان بی‌سواد - رضاخان - آمد و در اختیار دشمن فرار گرفت. ناگهان لباس این کشور را عوض کرد؛ بسیاری از سنتها را عوض کرد؛ دین را ممنوع کرد؛ کارهایی کرد که همه



شنیده‌اید و در دوران پهلویها انجام گرفته است؛ آن هم با قلدری. او به چهره محبوب غرب - یعنی استعمارگران - تبدیل شد.

این، ربطی به آحاد مردم غرب نداشت. افکار عمومی غرب، از همه این حرفها بی‌اطلاعند. این، کار همان سیاستمداران بود. تهاجم از آنجا شروع شد و این تهاجم در دوران جدید پهلوی، شکلهای گوناگونی پیدا کرد. یعنی در دوران بیست؛ سی سال آخر حکومت پهلویها، این تهاجم، شکلهای خطرناکتری یافت که حالا مجالش نیست همه اینها را عرض کنم.

انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشتئی به سینه مهاجم خورد؛ او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. در دورانِ اوّل انقلاب، شما ناگهان دیدید که مردم ما در طرف مدّت کوتاهی، تغییرات اساسی در خُلقیات خودشان احساس کردند: گذشت در بین مردم زیاد شد؛ آز و طمع کم شد؛ همکاری زیاد شد؛ گرایش به دین زیاد شد؛ اسراف کم شد؛ قناعت زیاد شد - فرهنگ اینهاست؛ فرهنگ اسلامی اینهاست - جوان به فکر فعالیت و کار افتاد، دنبال تلاش رفت؛ خلیها که به شهرنشینی عادت کرده بودند، به روستاها رفتند؛ گفتند: «بگذار کار کنیم. بگذار تولید کنیم.»؛ شبه کارهایی که به صورت گیاه هرزی در زندگی اقتصادی مردم رشد پیدا کرده بود کم شد. این، مربوط به یکی دو سال اوّل انقلاب بود. این، مربوط به همان زمانی است که تلاش روزه‌روز دشمن برای پاشیدن بذر اخلاقیات منفی متوقف شده بود و یک گرایش و یک توجه به اسلام پیش آمده بود. مجدّاً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خُلقیات اسلامی که در خمیره مردم ما بود، در آنان زنده شد. البته عمیق نبود. عمق، آن زمانی پیدا می‌کند که روی موضوع، چند سالی کار شود. این فرصت پیش نیامد و آن تهاجم، بتدریج و به مرور، از سرگرفته شد. تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن نه‌نشین‌ها و رسوبهای ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تأثیرگذاری‌اش مؤثر بود. اما باز حرارت جنگ، مانع بود، تا جنگ تمام شد. بعد از جنگ، این جبهه جدید، به شکل جدّی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. محاسبه قبلی، غلط از آب درآمده بود. دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود. وقتی ملتی را محاصره اقتصادی کنند، اگر آن ملت یک ملت قانع، صبور، متکی به نفس و متوکل علی‌الله باشد، مگر شکست خواهد خورد؟! هرگز شکست نمی‌خورد! این را، هم ما در گذرگاههای تاریخی - در گذشته - تجربه کردیم و هم ملتهای دیگر تجربه کرده‌اند. مخصوص ما نیست. دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود. فهمیدند باید عقبه ما را بمباران کنند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این طور است که وقتی یک گروه نظامی، در جلو با دشمن مشغول جنگ است، غذایش از عقب می‌آید، نیروی تازه نفس از عقب می‌آید، ملزومات از عقب می‌آید، نامه دوستانه از پدر و مادر و یاران از عقب می‌آید. عقبه تا سالم است، این نیروی در خطّ مقدّم، می‌تواند بجنگد. اگر دشمن آمد عقبه‌ها را بمباران کرد؛ غذا از بین رفت، ملزومات از بین رفت، نیروی تازه نفس از بین رفت؛ نامه «دست شما درد نکند» از بین رفت، پدر و مادر «زهی» و «مرحبا» گو از بین رفت؛ کسی که در جلو مبارزه می‌کند، چطور قدرت مبارزه خواهد داشت؟! دو روز تلاش می‌کند؛ ولی از بین خواهد رفت. عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه عقبه ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام. یعنی علاقه آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گوید من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام - یعنی به خانه آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام. روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده‌ام. - خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمّل است؟! این پدر و مادر باید از غصّه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشانتری هم دارد، با کمال قدرت می‌گوید: «ما اینها را در راه اسلام دادیم، و حرفی نداریم.» عجب!

پس تأثیر اسلام این است! تأثیر ایمان به خدا این است! این را دشمن فهمید. پدر و مادری به جوان خود می‌گویند «تو هنوز شانزده سالت است، هفده سالت است؛ برو درست رابخوان؛ برو بازیت رابکن؛ لذّت را ببر. برادرت رفت و شهید شد.»؛ جوان می‌گوید: «نه! من سهم خودم را باید برای اسلام ادا کنم.» این، عبارتی است که ما در وصیتنامه‌های شهدا دیده‌ام و از پدران و مادران شهدا و خانواده‌ها شنیده‌ایم. اثر اسلام، این است.

یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوانهاست.» بعد از ظهرش بنده به خیابانها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اوّل انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم می‌رسید - فرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام به خاطر اسلام اهمیت قائل بودند - ناگهان می‌دیدید این ملت، به جوش و خروش در می‌آید. جوانان شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها می‌کنند و می‌روند. برای چه؟ برای این که جانیشان را در معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن اینها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه، نمی‌شود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد. و شروع کرد.

بعد از جنگ، محیط هم مناسب بود. چون کوره گداخته جنگ، جوان را به خود مشغول می‌کرد؛ به خود جذب می‌کرد و گوشش به این حرفها بدهکار نبود. وقتی آن کوره خاموش شد، محیط مناسبی پیش آمد و به طور وسیع شروع به برنامه‌ریزی کردند و ابزارهای متعدّدی را به کار گرفتند.

من وقتی به تنوع ابزارهای دشمن نگاه می‌کنم، می‌فهمم چقدر این قضیه برای اینها اهمیت داشت! یکی از کارها این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این یکی از کارهایشان بود. از جمله کارهای مهمی که انقلاب کرده، یکی این است که یک عده عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و بحمدالله کم هم نیستند. شعرای زیادی به وجود آمدند؛ داستان‌نویسان زیادی به وجود آمدند؛ نویسندگان قلم‌زن دقیق فارسی‌نویس محکمی به وجود آمدند و بحمدالله هستند. از اوّل انقلاب تا کنون، سیزده سال گذشته است. شما نگاه کنید ببینید کدام سیزده سال در دوران عمر فرهنگی و تاریخی ما، توانسته است شخصیت‌های درجه یک به وجود آورد؟ البته اینها تا شخصیت درجه یک بشوند، هنوز فاصله دارند؛ اما کسانی که شخصیت درجه یک بشوند، در این مجموعه‌ای که انقلاب پدید آورده، زیادند. مادر میهن ما، در دوران استبدادهای اواخر دوران پادشاهی، سیترون و عقیم شده بود. حقیقتاً آدمهای بزرگ، نویسندگان بزرگ، هنرمندان بزرگ، بخصوص در بعضی از رشته‌های هنری، پرورش پیدا نمی‌کردند. لکن امروز می‌بینیم در میان بچه‌های جوان ما، سینماگران خوب، نمایشنامه‌نویسان خوب، کارگردانان خوب، شعرای خوب و داستان‌نویسان خوب، زیادند. انقلاب است که این نیروها را آزاد کرد.

یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است. به مجرد این که ببیند در یک دستگاه رسمی کشور - مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور - دو نفر به او احم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می‌گذارد و او را کُند می‌کند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلّات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ می‌کنند، بر جسته می‌کنند، تعریف می‌کنند، این جوان دلش آب می‌شود و روحیه‌اش را از دست می‌دهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکز می‌برد که می‌توانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد؛ اما بی‌اعتنایی به او می‌گویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم. این طورش را قبول نداریم.» و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است اما چون مایه اسلامی ندارد مورد قبول آنهاست؛ این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسیف

خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنایی شود؟! اینجا هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند. اما به اینجا بی‌اعتنایی می‌شود. وقتی که انسان مطلب را به درستی کاوش می‌کند، می‌بیند سر رشته می‌رسد به اراده خباثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسؤولین هم متوجه نیستند. مسؤولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسط انجام می‌گیرد، بی‌خبرند. لذا، این جوان، این مجموعه جوانان و این جریانها را، ناامید می‌کنند.

از جمله روشهای دیگری که دشمنان در مجامع جهانی به کار زدند، این است - من این را، واقعاً احساس می‌کنم و از آن دردهای خاموش است. انسان دوست می‌دارد این چیزها را همه مردم، به وضوح بفهمند - که وقتی فیلم یا آثار و فرآورده‌های هنری ایران مطرح می‌شود، کاری که نشان از همین روحیات انقلابی در آن باشد، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد! این مجمع جهانی، مثلاً و به ظاهر، یک مجمع غیرسیاسی است؛ اما باطن قضیه، این‌طور نیست. شما دیده‌اید مجمع جهانی چه می‌کنند! دیدید شورای امنیت و سازمان ملل، با بوسنی هرزگوین چه کردند! دیدید سازمان «ایکاتو»، در قضیه هویامای ما - که آمریکا آن را ساقط کرد - چه کرد. امریکاییها خودشان گزارش دادند و گفتند «گزارش ایکاتو با همکاری ارتش آمریکا تهیه شد!» خوب، «ایکاتو» مثلاً یک سازمان بی‌طرف بین‌المللی است. اگر آن روز ما می‌گفتیم «ایکاتو این گزارش را مغرضانه نوشته است»، یک عده می‌گفتند: «شما خیلی بدبین هستید. شما هم دیگر شورش را در آورده‌اید! ایکاتو یک سازمان بی‌طرف است. به آمریکا و شما چه کار دارد!» بفرمایید! حالا سه، چهار سال گذشته، خود امریکاییها اعتراف کردند و گفتند که گزارش سازمان «ایکاتو» را، ارتش آمریکا تنظیم کرده است و خلاصه این‌که، آمریکا در انداختن ایرباس ایرانی، مقصّر نیست! مجمع جهانی، این‌گونه‌اند.

یکی دیگر از این سازمانها، اسمش «عفو بین‌الملل» است. علی‌الظاهر هم، هیچ انگیزه سیاسی‌ای - مثلاً، ضدّیتی با فلان و فلان - ندارد. حالا عفو بین‌الملل را خفقان گرفته است! در بوسنی هرزگوین چندین هزار مسلمان را می‌کشند و مثل برگ خزان روی زمین می‌ریزند، اینجا اصلاً پیدایشان نیست؛ اما وقتی ما یک جاسوس خیث و یک خبرچین بدجنس را می‌گیریم و حکم اعدام - که بسیار کمتر و کوچکتر از جنایات او به این ملت است - برایش صادر می‌شود، عفو بین‌الملل، دنیا را روی سرش می‌گذارد که در ایران، چنین و چنان کردند! اینجا بی‌طرفند؟! اینجا غیر سیاسی‌اند؟!

عین همین قضیه را، این مجامع هنری جهانی، با فیلمهای ما، با نمایشنامه‌های ما، با کارهای ویژه کودک ما و موارد دیگر دارند. چطور کسی می‌تواند چشمش را روی هم بگذارد و بگوید «اینجا غیرسیاسی‌اند؟! چرا در همه این مواردی که اینجا جایزه دادند، یک مورد اثر انقلابی وجود ندارد؟! ما فیلم انقلابی نداریم؟! ما شعر انقلابی نداریم؟! ما نمایشنامه انقلابی نداریم؟! این همه فرآورده‌های انقلابی که جوانان ما درست کردند، هیچ کدام ارزش هنری ندارد؟! بنده احتمال می‌دهم اگر رویشان بشود، جایزه نوبل را هم حاضرند به یکی از همین عناصر ضدّاسلامی و ضدّانقلابی بدهند؛ برای این‌که آنها را در دنیا بزرگ کنند؛ برای این‌که عناصر انقلابی را منزوی کنند! این، تهاجم فرهنگی نیست؟!

تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است. یکی از راههای تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پایندهای متعصّبانه به ایمان، که همان عواملی است که یک تمدّن را نگه می‌دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرنهای گذشته کردند. یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوت‌رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد. من بارها گفته‌ام: عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله؛ این کار بدی است. اما کار بد اصلی، این نیست. کار بد اصلی آن است که شما در کوچه و خیابان نمی‌بینید! کسی به کسی گفت: «چه کار می‌کنی؟» گفت: «دهل می‌زنم.» گفت: «چرا صدای دهلت در نمی‌آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من درمی‌آید!» صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیریرکی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواسته، آن وقتی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست! جوان جبهه رفته ما را اگر محاصره کردند؛ اگر اول یک ویدئو در اختیارش گذاشتند و بعد او را به تماشای فیلمهای جنسی و فحش وادار کردند؛ شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشاندند، چه خواهد شد؟! وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد، جوان را در اوج نیروی جوانی، فاسد می‌کنند. و حالا دشمن این کار رامی‌کند.

من از شهرستانها خبر دارم. از شهرهای مختلف کشور خبر دارم. خبرهای آنچنانی رابه ما می‌دهند. روز و شبی نیست که ما، از این‌گونه خبرها نشنومیم. این کارها را چه کسی می‌کند؟ دشمن! جوان، دچار شهوت‌رانی می‌شود و ایمان خودش را از دست می‌دهد. در اوایل کار، حتی همان جوان گریه می‌کند؛ اما بتدریج او را همین‌طور می‌برند. بچه مدرسه‌ایها ما را، دبیرستانهای ما را، حتی بچه‌های مدارس راهنمایی ما را، همین‌طور فاسد می‌کنند. افرادی را پیدا می‌کنند که مواد مخدّر و عکسهای ناجور به مدرسه می‌برند. من می‌خواهم از شما سؤال کنم: اگر مدیر مدرسه‌ای، نسبت به فاسد شدن پانصد یا ششصد یا هزار نوجوانی که به دست او سپرده‌اند، حسّاس بود و گوش کسی را که وسیله دشمن قرار گرفته و داخل آن مدرسه هرورثین آورده، بیچاند، ماباید به این مدیر مدرسه چه بگوییم؟ بگوییم: «آقا، شما برخلاف آزادی عمل کردی؟ این چه روشی است؟ شما ضدّآزادی هستی؟!» این حرف درست است؟ این درست است که به مدیر یک مدرسه که می‌گوید «هزارتا جوان را دست من سپرده‌اند؛ من نمی‌خواهم فردا اینها را هرورثینی تحویل مادران و پدرشان بدهم» بگویید: «نخیر! شما باید اجازه بدهی خودشان انتخاب کنند! هر کس نخواست، خودش نکشد! تو برو در مضرت هرورثین حرف بز!» این، یک بخشی از تهاجم فرهنگی است. نظام اسلامی را متهم می‌کنند که «این مرام، نظامی است و آزادی نمی‌دهد.» چطور ما آزادی نمی‌دهیم؟! شما در کدام کشور، این همه مجلّه و روزنامه و مطبوعات سراغ دارید؟ اینجا همه‌اش مال دولت است؟ روزنامه‌های رسمی کشور، علناً و صریحاً، سیاستهای دولت را زیر سؤال می‌برند و از آن انتقاد می‌کنند. دولت هم باکمال بزرگواری گوش می‌کند و جواب می‌دهد. اکنون در ایران مجلّاتی به چاپ می‌رسند که اگر کسی مختصر آشنایی‌ای با عناصر فرهنگی کشور از زمان گذشته داشته باشد و بداند هنرمندان شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ قلم زنان شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ مخلصین و چاکران دستگاههای شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ مرعوبین دشمنان چه کسانی هستند؛ امریکایی دوستان چه کسانی هستند؛ می‌داند که این مجلّات از کجاها پولش می‌آید! قابل حدس هست. ما هم بی‌خبر نیستیم. بنده هم بی‌خبر نیستیم؛ دستگاه هم بی‌خبر نیست. اینجا چاپ می‌شوند؛ کاری هم به کارشان نداریم. ما از این‌که مجلّه‌ای چهار کلمه حرف بنویسد، واهمه‌ای نداریم! ما هم می‌نویسیم.

آزادی مطبوعات، آن مقداری که در ایران هست، در کشورهای دیگر نیست. دستگاه، در ایران، در زمینه آزادی مطبوعات، مظلوم است. دلیلش هم این است که به این آقا آزادی داده شده؛ آن وقت آمده است مجلّه‌ای را، روزنامه‌ای را، پر کرده از انتقاد به دستگاه و در این انتقادات، مکرّر، مثل ترجیع‌بند، تکرار کرده که «به ما آزادی نمی‌دهند؛ به ما آزادی نمی‌دهند!» اگر آزادی نیست، شما چطور اینها را نوشته‌اید؟! امروز در این کشور، چه کسی را سیخ داغ کرده‌اند که «شما چرا فلان مطلب را نوشتید؟ چرا فلان روزنامه را منتشر کردید؟» بله؛ اگر کسی مجرم مطبوعاتی باشد - هرکس می‌خواهد، باشد - مجرم، مجرم است. هر کس جرمی را که قانون به عنوان جرم معّین کرده مرتکب شود، البته مجازات خواهد شد. یکی از مجازاتها که هم در قانون پیش‌بینی شده، تعطیل روزنامه‌ای است که آن جرم در آن منعکس شده است. این، بحث دیگری است. لکن در حرف زدن، آزادی هست. همین که دستگاه حسّاس باشد، این را به عنوان این‌که «آزادی نیست»، می‌گویند! توّقع دشمن این است که قلمزنان جریان فرهنگی وابسته به استخبار، هرچه می‌خواهند بنویسند و قلمزنان طرفدار نظام و جناح و جریان اسلامی، به آنها جواب ندهند! توّعشان این است! اگر جواب دادند، می‌گویند: «آزادی نیست.

شما ما را مرعوب کردید! این، آن فضایی است که دشمن به وجود می‌آورد. یک عده ساده‌لوحند که فریب می‌خورند. خیلیها هستند که بدون غرض، در جریان ملایم با جریان دشمن قرار می‌گیرند؛ بدون این‌که بفهمند که چه می‌گویند و چه می‌کنند.

من از همه این حرفها، یک جمله رامی‌خواهم نتیجه بگیرم. امروز که می‌آمدم صحبت کنم، با خودم فکر کردم: اگر یک مطلب را بتوانم به شما برادران و خواهران عزیز عرض کنم، حرف خودم را زده‌ام. آن مطلب این است که در مقابل تهاجم، عناصر مؤمن خودی می‌توانند بایستند. عناصر مؤمن خودی را، هر جا که هستند، گرامی بدارید. حرف من این است. من به مسؤولین فرهنگی کشور، از وزارت آموزش و پرورش تا وزارت ارشاد اسلامی، تا سازمان تبلیغات اسلامی، تا بقیه مؤسسات و نگاههای فرهنگی کشور، عرض می‌کنم: به عناصر خودی تکیه کنید. منظور من این نیست که اگر کسی، جوان انقلابی نیست، دستش را بگیرد بگذاریدش بیرون؛ نه. چه کسی چنین چیزی را می‌گوید؟ اصلاً منطق اسلام که این نیست؛ منطق انقلاب که این نیست. میدان بدهید. به همه میدان بدهید. هر کس که می‌خواهد برای این ملت کار کند، کار کند. من می‌گویم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید.

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله نظامی کند. چه کسی در مقابلش می‌ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه‌مندتر است؛ به ملت خود علاقه‌مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی‌علاقه‌تر است؛ احساس مسؤولیت بیشتری می‌کند و متعهدتر است. چنین کسی می‌رود دفاع می‌کند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده میدان ما را، بسیج پرکرد. بسیج یعنی همین؛ یعنی عنصر مؤمن انقلابی علاقه‌مند به سرنوشت میهن، علاقه‌مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار. رفت وسط میدان و با فداکاری، دشمن را به زانو درآورد.

در زمینه فرهنگی نیز همین‌طور است. آن عنصری که وابسته به دستگاه شاهنشاهی است و دلش به یاد آن روزها می‌تپد، نمی‌آید از نظام و فرهنگ اسلامی دفاع کند. چرا ما باید غافل باشیم؟! کسی از فرهنگ اسلامی و حیثیت و موجودیت این ملت دفاع می‌کند و در مقابل تهاجم دشمن می‌ایستد که دلش در هوای اسلام بتپد و اسلام و ایران را دوست بدارد. عده‌ای که دین ندارند، میهن دوستی هم ندارند؛ ایران را هم قبول ندارند. کسی که سلطه آمریکا را برای ایران بیسند و تشویق کند، میهن دوست نیست. کسانی که برای دخالت امریکاییها برای آن خانمی که در نیکاراگوئه با انتخابات امریکایی بر سرکار آمد، کف زدند، معنای کارشان چیست؟ از این‌جا، به کسانی که در نیکاراگوئه تسلیم تحمیل امریکاییها شدند، «زهی» و «مرحبا» گفتند! اینها دل در گرو آمریکا ندارند؟! اینها با این قلم زهرآگینشان می‌آیند در مقابل تهاجم دشمن، از فرهنگ ملی و اسلامی و ایرانی دفاع کنند؟! معلوم است که نمی‌کنند! معلوم است که این، ستون پنجم دشمن است! این، برای دشمن کار می‌کند. این، از خدا می‌خواهد که امریکاییها برگردند! از خدا می‌خواهد که نظام وابسته به آمریکا و استکبار و گردن کلفتها برگردد. این، برای نظام اسلامی کار خواهد کرد؟ تلاش خواهد کرد؟ معلوم است که نه! این، حقیقت روشنی است. شما که در صدا و سیما مسؤول امور هستید باید مواظب این مطلب باشید. شما که در روزنامه‌ها مسؤول امور هستید، باید مواظب این مطلب باشید. شما که در سازمان تبلیغات یا در وزارت ارشاد، یادر آموزش و پرورش، یادر آموزش عالی و یا در مؤسسات فرهنگی گوناگون مسؤول امور هستید، باید مراقب این قضیه باشید. البته همه مسؤولند. منظورم از مسؤول، رئیس نیست. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت». همه مسؤولند. مراقب این معنا باشید.

این ملت، برای این‌که حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی‌اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودیها می‌توانند بکنند. من حرفم فقط همین است. من می‌گویم: اگر می‌خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه کنید. او می‌تواند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کند. و آلا آن کارگردان یا تهیه کننده‌ای که وقتی فیلم را می‌سازد، از پیش فکر می‌کند که «این نکته را در این فیلم خواهم گنجانم، تا یکی از پایه‌های اعتقادی این نظام را هدف قراردهم» که از اسلام و انقلاب دفاع نمی‌کند! بازبان خاص فیلم و با همان شکلی که در فیلم امکان دارد، کار خودش را انجام می‌دهد. یعنی اکتفا نمی‌کند به این‌که به انقلاب کمک نکند. فیلم می‌سازد برای این‌که به انقلاب حمله کند! از اول که این فیلم را می‌سازد، یا این داستان را می‌نویسد، هدفش این است که کارایی نظام اسلامی را زیر سؤال ببرد و بگوید: «این نظام اسلامی، کارایی ندارد». از اولی که این مقاله را می‌نویسد یا این اثر هنری را تولید می‌کند، هدفش این است که نشان دهد این دولت کارایی ندارد؛ توان اداره ندارد. این، در حال خدمت به مصالح این کشور است یا در حال خیانت؟ به این می‌شود تکیه کرد؟! معلوم است که نمی‌شود تکیه کرد! ما البته تصمیم نگرفته‌ایم کسانی را که خیال کرده‌ایم خدمت نمی‌کنند یا خیانت می‌کنند، یکی یکی به قانون معرفی کنیم؛ نه. هنوز خیلی کارها در این کشور در زمینه فرهنگی وجود دارد که باید انجام گیرد. منظورم این است که در محیطهای فرهنگی، به نیروهای مؤمن تکیه شود. اینها سدّی در مقابل تهاجم فرهنگی هستند.

#### بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا 1371/04/22

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان باخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند». الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسؤولیت شرعی شماست. امروز مسؤولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش 1370/10/25

این‌که از «تهاجم فرهنگی» اسم آوردند و گفتند شما در خط مقدم این تهاجم هستید، این حق است و بنده این را قبول دارم؛ چون تهاجم فرهنگی، به مقصود بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و آن تفکر فعالی که امروز استکبار از آن می‌ترسد و قلمرو قدرتهای استکباری را به خطر می‌اندازد.

این حادثه، برای ما تجربه و عبرتی است؛ «ان فی ذلک لعبره». وقتی در مقابل یک حرکت حاکی از میل، که هنوز هیچ‌گونه اثر خارجی بر آن مترتب نشده، اما چون آینده برایشان مشهود است، این چنین صفاآرایی و خصومت می‌کنند، شما ببینید با یک اسلام تبلور یافته در یک کشور - که همان نظام جمهوری اسلامی است - چه قدر اینها از اعماق وجود دشمنند، و چه قدر آماده هستند که برای نابود کردن آن، از انواع طرق استفاده کنند. از اول انقلاب تا حالا، ما درگیر این قضیه بوده‌ایم؛ الان هم در همه زمینها - اعم از زمینه اقتصادی، یا زمینه فرهنگی، یا زمینه سیاسی - عملاً درگیر هستیم. همه‌جا باید خودمان را تجهیز کنیم، و این تجهیز، یکی از مهمترین تدابیرش همین است که ما جوانان و نوجوانان و کودکان این مرز و بوم را اسلامی بار بیاوریم.

البته در کشور ما، آموزش و پرورش یک بنای قدیمی است؛ لیکن نه با هندسه‌ی صحیحی از آغاز کار. در این‌جا اول کار، آموزش و پرورش را مثل اغلب بناهای فرهنگی، بر مبنای صحیحی نگذاشتند؛ شما دارید مجاهدت می‌کنید که این مبنای صحیح را به‌وجود بیاورید؛ بنابراین مشکلات زیادی دارد؛ این مشکلات را تحمل بکنید و آن را به حساب جهاد در راه خدا بگذارید. این را، هم شما توجه داشته باشید که عملتان جهادی است، و هم معلمان سراسر کشور - هر جا هستند - بایستی به این نکته توجه داشته باشند. کار شما واقعا یک عمل جهادی و یک مجاهدت در راه خداست؛ سختیهای هم دارد، که باید آنها را تحمل کنید؛ هر چند که دولت هم در کار و در محاسبه‌ی خود بایستی سعی در کم کردن مشکلات شما داشته باشد.

#### بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1370/09/20

این مسأله‌ی «تهاجم فرهنگی» که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است؛ با انکار آن، ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. «تهاجم فرهنگی» را نباید انکار کرد؛ وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین (صلوات‌الله‌علیه)، «من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنتم هم در سنگر مقابل خوابش برده است. تو خوابت برده؛ سعی کن خودت را بیدار کنی. ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است؛ کما این‌که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است.

ما نیاپستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتابهایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سریند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتا شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می‌شنوید، همه‌جا یک آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد.

این، آن چیزی نیست که مثلا از صد سال قبل بوده است. بله، از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود؛ اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب‌آلوده روبه‌روست، آرایش نظامی یک نوع است؛ وقتی با یک دشمن بیدار روبه‌روست، آرایش نظامی نوع دیگر می‌شود. آن روز عالم اسلام، خواب‌آلوده، بلکه تخدیرشده و مست بود؛ اصلا گاهی دشمن به او ضربه‌پی می‌زد، یک سوزن در رگش فرو می‌کرد و چیزی تزریق می‌کرد؛ تمام می‌شد می‌رفت؛ اما الان اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره‌ی تمام‌نشدنی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره‌ی انقلابی دارد؛ این همه جوان خوب دارد؛ اینها شوخی نیست. امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما، آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم؛ اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم؛ همان «من نام لم ینم عنه» است. «ان اخا الحرب الارق و من نام لم ینم عنه»؛ مرد جنگ باید بیدار باشد؛ و اگر تو خوابیدی، لازمه‌اش این نیست که حتما دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده باشد؛ او ممکن است بیدار باشد.

#### انتصاب نماینده ولی فقیه در مؤسسه کیهان 1370/07/02

در حال حاضر و بخصوص پس از شکست کامل مارکسیزم، استکبار غرب برای گسترش سیطره‌ی سیاسی و الحادی خود بر ملت‌های انقلابی، عمدتا از محورها و شیوه‌های فرهنگی بهره می‌گیرد. معارضه‌ی شایسته با تهاجم فرهنگی غرب در ابعاد مختلف، باید در صدر برنامه‌های رسانه‌های عمومی قرار گیرد. بی‌تفاوتی و مسامحه در برابر این تهاجم فرهنگی، که گاه با قلم عناصر مطرود و خودباخته‌ی داخلی صورت می‌گیرد، زبانه‌های جبران‌ناپذیری در بر خواهد داشت.

#### بیانات در دیدار جمعی از آزادگان و مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان 1369/06/07

این نکته را همه‌ی ما - چه مسؤولان و چه آحاد مردم - باید به یاد داشته باشیم که تنها نیکه‌گاه یک ملت بزرگ و مبارز و موحد، یاد خدا و توکل به خدا و اعتماد به خداست. این، ما را پیش برد، پیروز کرد و به این‌جا رساند. اگر ملت دیگری به جای ما بود و همه‌ی شرایط ما را می‌داشت؛ با این‌همه دشمن، با آن محاصره، با تحمیل جنگی هشت‌ساله، با ایجاد گرفتاریهای مختلف از داخل و خارج، با تهاجم تبلیغاتی، تهاجم فرهنگی، تهاجم مالی، تهاجم پولی، تهاجم نظامی و با سابقه‌ی فساد چنددهساله، بلکه چندصدساله‌ی که بر او تحمیل کرده بودند، منتها منهای ایمان و منهای خدا، یقینا آن ملت طاقت نمی‌آورد و به این‌جا نمی‌رسید و در نیمه‌ی راه به زانو در می‌آمد و نمی‌توانست پرچم پیروزی را مثل ما که امروز بر بام عالم برافراشته‌ایم و افتخار می‌کنیم، بیفزارد.

#### بیانات در دیدار معلمان و کارگران 1369/02/12

به مناسبت حضور معلمان و فرهنگیان عزیز، عرض می‌کنم که عناصر فرهنگی جامعه - هر که هستند، هر چه هستند، چه وابستگان به دانشگاهها، چه وابستگان به حوزه‌های علمیه و چه دیگران - باید بدانند که امروز دشمن، بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته است. من به‌عنوان یک آدم فرهنگی، این را عرض می‌کنم، نه به‌عنوان یک آدم سیاسی.

#### بیانات در دیدار معلمان و کارگران 1369/02/12

ان، یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنه‌ی کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه‌ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الان دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد. کم هم نیستند قلم‌به‌مزدها و فرهنگیه‌ی دین و دل و وجدان باخته و نشسته‌ی پای بساط فساد استکبار - چه غالبا و اکثرا در خارج کشور و چه تک‌توکی در داخل کشور - که برای مقاصد استکباری، قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند می‌کنند.

نبرد فرهنگی را با مقابله‌ی به مثل می‌شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد. تفنگ او، قلم است. این را می‌گوییم، تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزیز - اعم از معلم و دانشجو و روحانی و طلبه و مدرستان، تا دانش‌آموزان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند - احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شما هستید و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد.

مثل جنگ نظامی، چشمها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی و دیده‌بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین‌طور است. اگر ندانید که دشمن کار می‌کند، یا از آن‌که می‌داند، فرمان نبرید، از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.

#### بیانات در دیدار قاریان چهل کشور جهان در سالروز بعثت رسول اکرم(ص) 1368/12/04

شما می‌بینید که در توطئه و تهاجم فرهنگی به اسلام، یکی از قسمتهایی که مورد توطئه‌ی خباث‌آمیز دشمن قرار می‌گیرد، همین وجود مقدس و بزرگوار است که در آن کتاب شیطنانی مورد تهاجم قرار گرفت و نشان داد که توطئه‌ی دشمن در مجموعه‌ی عقاید و عواطف ملت مسلمان، به کجاها ناظر است

#### بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب 1368/09/07

مطلب چهارم این است که امروز تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد. این تهاجم، وسیعتر از انقلاب و علیه اسلام است. چیز عجیب و فوق‌العاده‌ی است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، علیه اسلام - و حتی اسلامی که در توده‌ی مردم الجزایر نفوذ دارد - وارد کارزار شده است. فقط یک استثنا دارد و آن اسلام وابسته به دستگاههای استعماری و فهدگونه است؛ والا حتی اسلامهای به معنای اعتقاد عوامانه‌ی مردم هم مورد تهاجم است؛ چه برسد به اسلام ناب و انقلابی - و به تعبیر آنها اسلام ایران - که دیگر وضعش روشن است.

#### بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب 1368/09/07

تهاجم عجیبی وجود دارد. چیزهایی که شما می‌شنوید - مثل حجاب در فرانسه و مبارزه با دختران محجبه در این کشور - اینها جرقه‌هایی است که نشان از آتشفشای خاکستر می‌باشد و از کار عظیمی در پشت پرده خبر می‌دهد. قضیه فقط این نیست که یک دولت مثلا لایبکی بگوید که ما نمی‌خواهیم محجبه‌ی باشد؛ نه، اینها اصلا از اسلام به شدت احساس خطر کرده‌اند. البته، این موضوع تازگی هم ندارد؛ از سابق نیز این‌طور بوده است.

#### بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب 1368/09/07

اینها، راجع به اسلام کارشناس و متفکر دارند که می‌نشینند بررسی می‌کنند و درباره‌ی ملتها و اندیشه‌ها و روحيات و مذاهب گوناگون، پرونده‌هایی درست می‌کنند و در مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و جاسوسی و سیاسی خود، تمام آن پرونده‌های آرشیو شده را دو مرتبه مطرح می‌کنند و کارهای تحقیقاتی جدید انجام می‌دهند. این‌که می‌شنویم در اسرائیل، سمیناری تحت عنوان «شناخت اسلام و تشیع در ایران» برگزار می‌شود، به همین معنا و در همین جهت است. در بسیاری از جاهای دنیا، سمینارها و جلسات تحقیقاتی‌ی توسط دنیای غرب و سرمایه‌داری و استکبار تشکیل می‌شود و تزه‌های گوناگونی برای بازنگری به اسلام مطرح می‌گردد.

در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آنجا هیچ تأثیری ندارد. آتارش هم به‌گونه‌ی است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند. فرض کنید در محوطه‌ی یک بمب شیمیایی بیفتند که احدی نفهمد که این بمب در آنجا افتاد؛ ولی پس از هفت، هشت ساعت ببینند صورتها و دستهای همه تاول زده است.

الان در مدرسه‌ها و داخل خیابانها و جبهه‌ها و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما، ناگهان نشانه‌های این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید. الان مقداری هم آن را می‌بینید و بعدا هم بیشتر خواهد شد. یک کتاب چاپ می‌شود، یک فیلم تولید می‌شود و به صورت ویدئو داخل کشور می‌آید و زمینه‌ی چنین تهاجمی را فراهم می‌کند. دیشب یکی از آقایان می‌گفت: وسایل کوچکی اختراع شده که در آن، بیست فیلم ویدئویی به صورت میکروفیلم ضبط می‌شود و هر فردی می‌تواند آن را لای دکمه‌اش مخفی کند و به داخل کشور بیاورد و بین جوانها توزیع کند!

هدف این تهاجم با چنین ابعادی، اسلام و انقلاب و ما هستیم. البته، شکی نیست که مقابله با این تهاجم، پول و بودجه و امکانات و پشتیبانیهای سیاسی دولت را می‌خواهد؛ اما دولت پول بدهد و پشتیبانی بکند که چه بشود؟ طبیعی است که فکری پخش بشود. آن فکر کجا تولید خواهد شد؟ آیا آن هم در دولت است یا در حوزه؟ اینها انتظاراتی است که از حوزه می‌رود.

شما در همین اواخر ملاحظه کردید که وقتی استکبار جهانی به برکت انقلاب اسلامی، با رشد معنوی اسلام مواجه شد و در جبهه‌ی نظامی و سیاسی نتوانستند انقلاب و جمهوری اسلامی را - که امروز مظهر و نمودار اسلام عملی است - بکوبند و شکست بدهند و خواستند به تهاجم فرهنگی دست بزنند، مزدور خودشان را وادار کردند تا به شخصیت رسول اکرم و نبی معظم اهانت بکنند و شیطان صفتی، به دستور شیاطین زر و زور عالم، آن کتاب شیطانی را بنویسد که البته با پاسخ و عکس‌العمل قاطع مسلمین عالم و در مقدم آنان، امام بزرگوار و رهبر عظیم‌الشان و فقید ما مواجه شدند که به هدر بودن خون آن شیطان صفت و اعدام او حکم کردند.

